شماره ۱۶

نگارخانه ایران

رویین پاکباز

۹۰۱
/۴۵۵
پ
۲۱۴
ن

از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر

اداره کل آفرینش هنری و ادبی

۲۵۳۵

Scanned with CamScanner

۵۲
مرکز اسناد آستان قدس رضوی
سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
مخزن کتب چاپی
شماره ثبت: ۳۹۲۹۸۸
تاریخ ثبت: ۸۵/۰۶/۲۰
۹۰۷/۴۵۵
۲۱۴۵

پیشگفتار

اداره‌ٔ کل آفرینش هنری و ادبی به مناسبت آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاه پهلوی بررسی و تدوین ، تألیف و انتشار کتابها و دفترهای گوناگونی را در زمینهٔ هنرهای ملی ایرانَ ، هنرهای تجسمی ، ادبیات فارسی و . . . به عهده گرفته است . این اداره‌ٔ کل با برگزاری جشن تأسیس ده نگارخانهٔ تهران ، یازده کارگاه هنری وابسته ، برگزاری نمایشگاههای مختلف در نگارخانه‌ها و مراکز چند استان ، بر پا داشتن شبهای شعر خوانی ، چاپ و انتشار آگاهینامه ها بروشورها و پوسترها و به یاری کلیه رسانه‌های گروهی ، خواهد کوشید نمونه‌های ارزنده‌ای از هنر و ادبیات ایران را طی پنجاه سال گذشته عرضه نماید و بخشی از وظائف خطیری که به عهده دارد با تلاش همه جانبه و پی گیرش انجام رساند .

یکی از انتشارات اداره‌ٔ کل آفرینش هنری و ادبی ، تاریخچه و کارنامهٔ کوششهای نگارخانهٔ ایران است که اینک در اختیار دارید ، بررسی سخنانی که دربارهٔ نمایشگاههای این نگارخانه در روزنامه و مجلات منتشر شده ، بیانگر کوششهای بی دریغ این نگارخانه در اعتلای هنرهای تجسمی ایران است و انتشار این دفتر و برگزاری نمایشگاه ویژه‌ای در آن ، که نمایشگر آثار عرضه شده ، در نمایشگاههای پیشین می باشد ، بی شک سرآغازی برای ادامهٔ فعالیتهای صادقانه نگارخانه‌ها در سالهای دیگر خواهد بود .

اداره‌کل آفرینش هنری و ادبی

Scanned with CamScanner

تاریخچه، نگارخانه ایران، بخش کوچکی است از تاریخ هنر معاصر ایران واگر به شرح آن بپردازیم، تنها بدان منظور نیست که گوشه‌ای از هنر معاصر نمایانده شود، بلکه بیشتر به‌خاطر آنست که در این جریان کوچک به گونه‌ای می‌توان اثرات تحول فرهنگی جامعه را باز شناخت.

طی دوازده سالی که ازعمر این نگارخانه می‌گذرد و در قالب فعالیت‌هائی که انجام داده، سیری رامی‌توان دید که از شوق محض آغاز می‌شود و بیک شناخت نسبی می‌رسد. اشتیاق وصداقتی که دیروز سلیقه‌ها و خواستهای پراکنده‌ای را دریک کانون متمرکز کرد، بر اثر تجربه‌ای دوازده ساله، امروز به کوششی جمعی برای رسیدن به‌هدف‌های روشن مبدل شده است. هدفهائی که نیل بدانها از حدود توانائی وامکانات این کانون تجاوز می‌کند و به همکاری تمام نیروهائی که در پیشبرد هنر این سرزمین سهیم هستند، نیازدارد.

* * *

درسال ۲۵۲۳ یعنی درشرایطی که هنرهای تجسمی نوین ایران درجهت اثبات موجودیت خود گامهای سریعی رابرداشته بود و درحالیکه نمایشگاهها و بی‌ینال‌ها، استعداد های جوانی را وارد عرصه این هنرکرده بود، و در فضایی که از شور تجربه و شوق نوآوری مملو بود، چند تن نقاش و پیکر ساز و گرافیست و معمار جوان گرد هم آمدند تا بیاری مادی و معنوی یکدیگر مکانی برای نمایش آثار و مرکزی برای تبادل جستجوها و تجربیات خود به

Scanned with CamScanner

وجود آورند . وبدینگونه بودکه " تالار ایران " تاسیس شد .

خواست مشترک اینان ، کار مستقلانه و تلاش پرشور برای هموارکردن راه پیشرفت و موفقیت بودکه با روحیه‌های‌جوان وفق داشت : " . . . خود هنرمندان وعلاقه‌مندان‌به‌هنر (باید) آستین‌ها را بالا بزنند وبه هرقیمتی شده راه پیشرفت و موفقیت‌خود راهموارکنند، دست دوستی به هم دهند و به خاطر هدف مشترک خود شانه‌به شانه هم گام بردارند. برای ایجاد چنین محیطی چه کارهای دشواری در پیش‌است که باید به‌همت خودهنرمندان و هنردوستان از پیش پابرداشته شود . . . " (۱)

اولین بنیانگذاران این نگارخانه که‌طی دههٔ اخیر هریک نقشی رادرهنراین‌سرزمین برعهده داشته‌اند ، عبارت بودند از : منصور قندریز ، مرتضی ممیز ، سیروس مالک ، صادق تبریزی ، فرامرز پیل‌آرام ، مسعودعربشاهی ، محمدرضا جودت ، قباد شیوا ، فرشیدمثقالی، روئین پاکباز ، هادی هزاوه‌ای ، محمد محلاتی .

اولین‌نمایشگاهی که‌از آثاراین هنرمندان در محل نگارخانه تشکیل گردید ، بااستقبال زیادی‌مواجه شد .گوئی درمجامع هنری ضرورت‌تشکیل چنین کانونی موردپذیرش قرارگرفته بودولاجرم هرفرد علاقه‌مندی به طریقی‌تایید خودرا ابراز می‌داشت .اقبال علاقه‌مندان ــ که‌حتی‌بالاتر ازحد تصوربود ــ بیشتر به‌ماهیت کار گروهی‌مربوط می‌شدتا احتمالا به‌کیفیت آثاری‌که به‌نمایش درآمده‌بود .و این ،گردانندگان نگارخانه‌را به ادامه‌کارترغیب‌می‌کرد . چند نمایشگاه بعدی‌نیز که به‌همین منوال برگزار گردید ، غالبا نموداری بود از فعالیت‌های هنری‌این‌هنرمندان‌جوان درارائه‌کارهاوفکرهای‌تازه‌درزمینهٔ نقاشی ،پیکرسازی‌وهنرگرافیک . . .

مسایل‌مالی ازاولین مشکلاتی بودکه دربرابر گردانندگان نگارخانه قرار داشت وشاید یکی از دلایلی‌بودکه تعدادی ازآنان را از ادامه همکاری منصرف کرد . در مورد انصراف تعدادی از دوستان دلایل دیگری را هم می‌توان برشمرد که کم وبیش بامسئله اختلاف سلیقه‌ها ارتباط داشت . دراین اثناءافراد جدیدی که باکار گروهی موافق بودند قدم پیش

Scanned with CamScanner

گذاشتند و همکاری صمیمانه خود را آغاز کردند.

در هرحال محصول این تغییر و تبدیلات چنین بود که رفته‌رفته خواست ها واضح‌تر می‌شد و اعضاء گروه درکار خود مصمم تر می‌گشتند و به موازات آن بینندگان نمایشگاهها نیز مشخص‌تر می‌شدند: اگر چه در کمیت بینندگان در قیاس با اولین نمایشگاهها نقصانی حاصل شده بود، ولی از نظر کیفی سطح توقعات آنان ارتقاء یافته بود. بینندگان عموما شور واشتیاق و تلاش هنرمندان را تایید می‌کردند،ولی این بدان معنا نبودکه برکار هنری آنهانیز صحه گذارند. چشم‌ها و زبان بیننده از سئوال پربود. آیا امکان داشت از برابر این پرسش‌ها بدون پاسخگوئی قانع‌کننده رد شد؟ بیننده از هنرمند می‌خواست‌که کارخود را توجیه‌کند وابهام آنرا بشکافد. واین یک خواست منطقی بود زیرا بین‌تجربیات‌شخصی این هنرمندان درقلمروهنرنوین تابرداشتهای‌قراردادی بینندگان نسبت به هنرهای‌تجسمی شکافی ژرف وجود داشت.

اگر در ابتدا هنرمندان بنحوی از جوابگوئی شانه‌خالی‌می‌کردند و یا پاسخ هائی در حدمجاب‌کردن‌آنی بیننده‌ارائه‌می‌دادند، اکنون‌این‌مسئله اساسا مطرح بود: برای‌ایجاد ارتباط درست‌تر بین هنرمند و بیننده نه تنها توجیه و تشریح آثار ضروریست بلکه‌بایستی عمیقا خصوصیات وضوابط‌هنر به ویژه هنرهای نوین‌موردبررسی قرار گیرد وبرای این‌منظور می‌بایستی همپای ارائه آثار، در بالا بردن سطح دانش و شعور هنری نیز فعالیت کرد. بدین‌ترتیب نگارش مطالبی در توجیه کیفیت هرنمایشگاه، امری ضروری، تشخیص داده شد و نیز ترجمه و تالیف کتابهای مربوط به هنرهای تجسمی و انتشار آنها به عنوان یک فعالیت مثبت تلقی گردید.

از دومین سال فعالیت نگارخانه، کار انتشار کتب و رسالات و مجموعه‌هائی درباره‌ٔ نقاشی، پیکرسازی و معماری و گرافیک‌و ... آغاز گردید که تا به امروز هم ادامه دارد گرچه‌باتوجه به امکانات محدود مالی و کم تجربگی، این نشریات چه از نظرانتخاب‌مطالب

Scanned with CamScanner

و چه از نظر ترجمه و نگارش دارای نقائصی بوده ولی می‌توان مدعی شد که این اقدام ،حداقل، دیگران را به فعالیت دراین جهت ترغیب نمود . به طوریکه اکنون کتاب‌های مربوط به هنرهای تجسمی بخشی از فهرست نشریات بنگاههای انتشاراتی راتشکیل می‌دهد .

در مراحل بعدی این‌فکر قوت گرفت که باید قسمتی از برنامه‌های سالیانه‌نگارخانه‌را به نمایشگاههائی در جهت هدفهای آموزشی اختصاص داد: بدینگونه بانمایش آثار چاپی نقاشان بزرگ جهان (۲) وگرافیست‌های معاصر ، جنبه‌های متنوع و مختلف نقاشی وهنرنوین گرافیک ــ که درجامعه ما تدریجا اهمیت پیدا می‌کرد ــ در معرض دید عمومی و موردبررسی قرار گرفت . دراین هدف آموزشی ، هنرملی و سنت‌های‌هنری گذشته ایران نیز ازیادنرفت . نمایشگاه‌هایی مانند "عیدی‌سازی" ، تصاویرکتب مذهبی ، عکسهائی از صنایع دستی‌کهن ایران ، مینیاتورهای قدیم ایران و . . . نمونه‌هائی بود از این نوع فعالیت . چون‌همکاری گروهی هنرمند جوان منجربه تاسیس نگارخانه ایران و ادامهٔ حیات آن شده بود ،ازهما ن ابتدا ، نیاز واشتیاق کسانیکه قدم‌های نخستین را در کار هنری برمی‌دارند ، بخوبی‌درک می‌شدوفراهم کردن‌امکان رشد آنان همواره مورد نظر گردانندگان نگارخانه بود . این‌طرز تلقی ، بسیاری‌از هنرمندان جوانتررا که با هدفهای این مرکزهنری‌آشنائی بیشتری‌داشتند، به همکاری مستقیم و غیرمستقیم جلب‌کرد . چندتن از نقاشانی‌که امروزه در محافل‌هنری‌ما از شهرت و موفقیت برخوردارند ، نخستین نمایشگاههای خود را دراین نگارخانه بر گزا ر کردند . وجوداین همکاران جدید و چنین گرایش‌های صادقانه ، طبعا در استحکام نگارخانه و قوت و دوام کوشش‌های آن موثر واقع شد .

گرچه بامرگ منصور قندریز و عدم همکاری مستقیم چندتن از بنیانگذاران ، سیمای اولیه نگارخانه دگرگون شده بود (۳) ، لیکن باواردشدن نیروهای جوانترنه تنها تدریجا هدف‌های فرهنگی‌وهنری مشخص‌تر می‌شد ، بلکه ارتقاء کیفیت آثار هنرمندان بنحوی جدی در برنامه کار نگارخانه قرار می‌گرفت . برخورد فکرهاو سلیقه‌ها از یکسوو احساس مسئولیت

Scanned with CamScanner

نسبت به موقعیت هنر این سرزمین از سوی دیگر، تدریجا در بطن گروه گرداننده نگارخانه، یک گروه هنری را نیز شکل داد. البته فکر جهت‌یابی در دید هنری به صورت ایجاد یک گروه باخط‌مشی واحد، از دومین سال تاسیس نگارخانه مطرح بود. چنانکه در بروشور نمایشگاهی که از آثار پاکباز، جودت، شیوا، مثقالی، قندریز در آبان‌ماه ۲۵۲۴ (۱۳۴۴) تشکیل گردید، چنین عنوان شده بود: "... هرچند ممکن است در آثار این نمایشگاه، بیننده به تضادی از نظر شکل ظاهری و حتی دید هنری، برخورد کند ــ و این واضح است به آن علت که این عده را نمی‌توان به عنوان یک گروه هنری با تزی خاص، قلمداد کرد ــ ولی آنچه مسلم است، اینان به دنبال هدف و مسیر مشترکی هستند: وسیله‌ای برای بیان واقعیات ذهنی و بطور کلی این تضاد لازمهٔ کار و مبین جستجوهای صادقانه آنهاست برای رسیدن به‌این‌هدف..."

گروه هنری تالار طی یکسال واندی به مباحثه در مسایل هنری جهان وایران و نیز بررسی سنت‌های فرهنگی و هنری گذشته پرداخت و بخصوص در مسئله بازیابی اصالت‌های ملی و تحلیل تاثیرات هنر غرب در هنر معاصر به کنکاش پرداخت. هدف کلی، تشخیص نقطه آغازبرای حرکتی سالم در جهت پی ریزی هنر ملی بود. این مباحثات طولانی با نمایشگاههای متعدد گروهی نیز همراه بودکه بنوعی راه حلهای عملی را برای دستیابی به هدف فوق پیشنهاد می‌کرد. در بیانیه‌ای که به سال ۲۵۲۸ به مناسبت یک نمایشگاه گروهی و با امضای این گروه منتشر شد، آمده بود: "..... شاید منطقی‌ترین سخنی که در باره گروه ما و نقاشی ما می‌توان گفت، این باشد که اولین کوشش برای شناخت مسایلی که هر هنرمند راستین ناگزیر به مواجهه با آنهاست، انجام شده است. به عبارت دیگر، هر یک از ما باین سطح از آگاهی رسیده‌ایم که: در این شرایط زمانی و مکانی، نقاشی فقط تخلیه بلاارادهٔ محتویات ذهن یا ابراز احساسات فردی به‌زبان رنگ و طرح و ... نمی‌تواند باشد. چراکه اندیشه و احساس یک نقاش اگر به نقاشی به عنوان عنصری منتزع از واقعیت زندگی بنگرد، محتوای اصیل و مبین زمانه خویش رانمی‌تواند بپروراند..." در جای دیگر این

Scanned with CamScanner

بیانیه نوشته شده بود. "... گروه ما، با توشهٔ ناچیز خود در ابتدای راهی است که برای کشف یک حقیقت هنری باید طی کند و دراین طی طریق، جستجو کاوش ممتد و صداقت در کار، به ما نیرو می‌دهد که هرچیز ناقص اندیشه‌مان را به دور افکنیم و هر بدعتی را به محک تجربه زنیم وهر پدیده ناآزموده‌ای را بیازمائیم. باین جهت، قالبی که ما در این نمایشگاه برای بیان حرفهایمان انتخاب کرده‌ایم، لایتغیر نیست و شاید روزی ما را در هیأت دیگری بازشناسید."

دربررسی کنونی به سهولت می‌توان نتیجه گرفت که آن مباحثات نظری وتجربیات عملی و آن تلاشهای پرشور و حرارت نتوانستند عملا راه بجائی برند. نه تنها بدین دلیل که شناخت اعضاء گروه نسبت به هنر گذشته ایران و مسیر تحول هنر غرب کافی نبود، بلکه به علت آنکه اساسا این گروه دریک شکل جامد وانتزاعی وبدون نگرش منطقی به روندحرکت جامعه ایران به راه‌جوئی می‌پرداخت. نتیجتا همه تلاشها ــ با تمام صداقتی که درآن موج می‌زد ــ به بن‌بست می‌رسید. اگر هدف، دست یابی به هنری بودکه، مناسبات راستین و پرمایه با جامعه داشته باشد وبتواند نقشی واقعی و سازنده همانند نقش هنر در ادوار پیشین این سرزمین بیابد، محصولی که از مجموع کارهای نظری و عملی به دست آمد نوع دیگری از "هنر برای هنر" بودکه نه ریشه در سنت‌های فرهنگی داشت و نه در شکل‌گیری وسازندگی فرهنگ امروز نقشی می‌توانست ایفا کند. پی‌آمد این شور اگر ناامیدی نبود، یک تامل موقت بود تا مسائل از نو بررسی شود. دراین مرحله تجربه‌ای برتجربیات گذشته افزوده شد: هنرمندبودن به تنهائی کافی نیست بلکه به عنوان هنرمند درساختن جامعه موءثر واقع شدن اهمیت دارد..."(۴) مسئله هنر دریک جامعه تنها در فعالیت‌های خلاقه هنرمندان خلاصه نمی‌شود به‌ویژه اگر این خلاقیت در چهارچوب فردگرائی محدود گردد. بلکه بایستی کارگسترده وپیگیری درجمیع جهات ــ از شناخت دقیق میراث گذشتگان تا درک دستاوردهای امروز ــ انجام گیرد تاهنر با پدیده‌های نوین جامعه عجین شود واز تقلید الگوهای پیش

Scanned with CamScanner

ساخته ــ خواه کهنه یا نو ــ بپرهیزد .

" . . . کارهائی که تاکنون توسط این تالار و سایر (نگارخانه‌ها) و مراکز هنری انجام شده ، اکثرا دارای جنبه محدود و در حاشیه نیازهای کنونی جامعه ما قرار داشته‌است . امروزه جامعه ماوضعیت خاصی دارد . در تمام شئون آن‌چه در زمینهٔ اقتصادی و اجتماعی وچه درزمینهٔ فرهنگی به سوی تحول گام برمی‌دارد و دراین تحول به کار جمعی نیاز هست و هنرمند نیز نه تنها بافعالیت فردی خویش بلکه در قلمرو یک کوشش جمعی می‌بایستی با سایر گروه‌های اجتماعی همگام باشد .

امروزه هدف‌های‌زیر مطرح هستند :

۱ــ هنرمعاصر ، علاوه‌بر جنبه‌های ملی باید مبین وضعیت‌امروزی جامعه‌ایران‌باشد .

۲ ــ هنرگذشته‌با دقت بیشتر گردآوری و مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد وجنبه‌های مثبت و مفید آن به عنوان‌دست‌مایه‌هنر امروز انتخاب گردد .

۳ــ هنرمندان معاصر از لاک تکروی‌ها بیرون آیند و با یک کوشش جمعی و یکپارچه به فعالیت‌های خود شکل و محتوای موٴثر بدهند .

۴ــ هنرهای تجسمی با ابعاد وسیعی در نقاط مختلف ایران اشاعه یابند .

گردانندگان تالار ایران‌برای‌نیل به هدف‌های‌بالاتاسیس‌مرکزی به‌عنوان " اطاق‌هنرمندان تجسمی " را پیشنهاد می‌کنند که زیر نظر مقامات مسئول نیروی همه هنرمندان رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی را متمرکز گرداند . بخشی از کاری که دراین مرکز می‌تواند انجام پذیرد ، تعیین گروه‌های متخصص در رشته‌های مختلف واقدام به گرد آوری آثار ومدارک هنری گذشته از تمام نقاط ایران و سپس تدوین تاریخ هنر ایران و قیاس‌آن با تحولات هنری غرب‌و نیز بررسی هنر امروز در رابطه‌با سنت‌های ایرانی و هنر معاصر جهان‌خواهد بود . . . " (۵)

این پیشنهادهای کلی را دو سال قبل مطرح کردیم واز همه کسانی‌که دست‌انداز کار

Scanned with CamScanner

هنر هستند برای به اجرا درآوردن آن دعوت به عمل آوردیم طی دوساله اخیر قدم‌هائی دراین جهت برداشتیم و اکنون نیز بیش از گذشته به لزوم همکاری‌های وسیع و موثر معتقدیم .

---

۱ ــ منصور قندریز ، بروشور اولین نمایشگاه نگارخانه ایران

۲ ــ اولین ارائه منظم و باترتیب تاریخی ازآثار چاپی هنرمندان نامدار جهان در نگارخانه ایران‌انجام گرفت . خوشبختانه این‌کار مفید باوسعت بیشتری ادامه‌یافته است .

۳ ــ پس از مرگ منصور قندریز ، گردانندگان نگارخانه به احترام کوشش‌ها وارزش‌های کار این هنرمند ، نام او را در کنار نام اصلی نگارخانه ــ ایران ــ بکار بردند . تدریجا در افواه ، " قندریز" مترادف با نام این نگارخانه مطرح گردید وحتی تاکنون در بسیاری از نشریات و آفیش‌ها و نقدها و اخبار مطبوعات از این نام استفاده شده است .

۴ ــ از پیش گفتار نشریه جشن صدمین نمایشگاه نگارخانه ایران .

۵ ــ ایضا همان پیش گفتار

Scanned with CamScanner

بخش دوم

گزیده نشریات نمایشگاه ها

Scanned with CamScanner

نگارخانه ایران طی فعالیت دوازده ساله خود ، ۱۲۰ نمایشگاه مختلف برگزارکرده و تقریبا ۹۰درصد این نمایشگاه‌ها با نشریه‌ای بمنظور معرفی و نقد آثار مورد نمایش و یا بررسی مسایل مربوط به آن‌نمایشگاه همراه بوده‌است .

دراین بخش ، گزیده‌ای از مجموع این نشریات نقل می‌گردد . توضیح آنکه دراین گزینش ، کیفیت مطلب و نیز ارائه نمونه و حفظ جانب‌اختصار مطرح می‌باشد .

نشریه اولین نمایشگاه "نگارخانهٔ ایران" *

همپای رشد صنعت و ترقی‌علوم جدید هنر نیز دامنهٔ جدید و وسیع‌تری پیدا کرده است واین بسیار قابل توجه است که هر روز عدهٔ بیشتری علاقه‌مند می‌شوند .

آمارها نشان‌می‌دهندکه برتعداد هنرمندان در همهٔ نقاط کرهٔ زمین بیش ازحدطبیعی اضافه شده است . در پاریس، لندن ، نیویورک ، رم و نیز در تهران‌این‌نسبت‌باشدت‌هرچه بیشتری قوس صعودی خود رامی‌پیماید ، پیداکردن علت‌امرازحوصلهٔ این مقدمه کوتاه خارج‌است ، واما امکانات ایجاد سازمانهای هنری دربیشترکشورهای مترقی جهان‌مسئله‌ای حل‌شده‌است . متاسفانه درمحیط ما با وجود نیاز کامل و کوشش های ناقصی که‌وجود دارد هنوزصورت تحقق به‌خود نگرفته درحالیکه‌احتیاج به ایجاد امکانات بیشتر وکافی که‌هنرمندان بتوانندآثار خودرا به‌راحتی عرضه کنند همچنان باقی است ــ باقی است تا خودهنرمندان

Scanned with CamScanner

و علاقه‌مندان بهتر آستین ها را بالا بزنند و به هرقیمتی شده راه پیشرفت و موفقیت خود را هموار کنند ــ دست دوستی به هم دهند وبه خاطر هدف مشترک خود شانه به شانه هم گام بردارند. برای ایجاد چنین محیطی چه کارهای دشوار زیادی در پیش است که باید به همت خود هنرمندان و هنردوستان از پیش پا برداشته شود.

نهضت پراکنده‌ای که از نقاشان جوان ایران در حال رشد و نمو است نوید دهندهٔ اجتماع متشکلی از نقاشان درآیندهٔ نزدیک است و نقاشان جوان برای از بین‌رفتن مشکل مالی که تنها مشکل کار است امیدواریهای فراوانی به حمایت طرفداران واقعی هنردارند.

نقاشان این نمایشگاه از علاقه‌مندان نقاشی که در تنظیم نمایشگاه نقائصی احساس می‌کنند انتظارهمکاری وپیشنهادهای اصلاحی دارند. تالار ایران با کمترین امکانات مالی و بیشترین کوشش خود هنرمندان شرکت کننده به وجود آمده‌است.

منصورقندریز ــ ۲۵۲۳ شاهنشاهی

---

* در این نمایشگاه نقاشی‌های دوازده هنرمند بنیان‌گذار نگارخانه ایران به‌نمایش درآمد.

Scanned with CamScanner

گزیده‌ای از نشریه نمایشگاه « عیدی سازی » *

... نمایشگاه حاضر شاخه‌ایست فرعی ازهنرزمان قاجاریه به نام "عیدی‌سازی " که به وسیلهٔ قالب‌های چوبی برروی کاغذ چاپ زده می‌شد و با رنگ جوهری به کمک قلم‌مو اجزاء آن در بعضی کارهای سنگین‌تر مجزامی‌گردید و در مکتب‌خانه‌های قدیم به رسم عیدی به بچه مکتبی‌ها هدیه می‌شد . با آمدن مدارس جدید ومتروک شدن مکتب‌خانه این‌کاربه‌کلی منسوخ شده و من در حقیقت اجساد دفن‌نشدهٔ آنها را جمع‌آوری‌کرده‌ام .

از نظر موضوع ،آموزنده و تعمیم دهندهٔ نظریات مذهبی واخلاقی ،تقویت‌کنندهٔ روح ملی وایجاد علاقه وبزرگداشت فداکاریهای شهدای کربلا و مقداری طرح برای منازل واماکن عمومی که بیشتر به بزم و رزم حماسی قبل از اسلام پرداخته‌اند .

از نظر شیوهٔ کار، هنری است بدون وام . تولد طرح‌و صحنه بی‌تکلف وراحت . شخصیت بارز و هویت روشن . موضوعات به قدری آشناست که توالی اعمال قهرمانان از ابتداء تا انتها در ذهن بیننده به‌حرکت درمی‌آید . نقاش مسئولیتی در منطقی‌وعملی بودن اعمال قهرمانان کارش‌ندارد بلکه نمایشگر احساس و تصورات خویش در برداشت ازموضوعات است . ملزم به قراری نیست‌وهیچ نوع قرار داد خاص فنی را رعایت نمی‌کند . طرح فرمها راحت و روان جریان دارند . بحث همه جانبه در مجال‌این فرصت تنگ نیست که درتذکر

Scanned with CamScanner

این نوع نقاشان که بزودی تحت نام (علمدار) بهترین نقاش و قالب‌تراش و چاپ‌زن "عیدی ساز" منتشر می‌شود، به تفصیل خواهد آمد . . .

مهدی رضا قلی‌زاده

* در این نمایشگاه نمونه‌های چاپ شده‌ای از هنرگرافیک قاجاریه که به کوشش مهدی رضاقلی‌زاده گردآوری شده بود . به‌نمایش گذارده شد .

Scanned with CamScanner

گزیده‌ای از نشریه نمایشگاه طرح های روی جلد صفحه موسیقی

طرح روی جلد صفحه مدعی معرفی مفهوم یا کلید یا همزاد آهنگ آن صفحه است . نقاش، آدمی که باید کارش را "دید "، چیزی را معرفی می‌کند که باید شنید ! .

موسیقی در دید اول حاصل ذهن است . شنونده ناشی صدای گرمب‌گرمب پای اسب می‌شنود ، گل سرخ می‌بیند غم و تسلیم می‌بیند صدای تقدیر را می‌شنود ! موسیقی‌شناس فرم می‌بیند وفضای‌هندسی موسیقی را زیراکه موسیقی هنر ترکیب اصوات است و اصوات طول وعرض دارند خطوط و سطح‌ها هستند و کار موسیقی به معماری‌نزدیک‌تر است تا اشک عاشق .

نقاش باهوش فرم معماری موسیقی را می‌بیند به شعر و مفهوم ذهنی آن کاری‌ندارد . پس این فرم را عینیت داده . وقابل رویت‌می‌سازد . موسیقی "ویوالدی" برای هرشنونده‌ٔ عادی‌هزاران تصویر وافسانه درآستین دارد ، شنونده با محتویات چمدان ذهن‌خودمیتواند به فضای " ویوالدی" اسباب‌کشی‌کند . آن را اشغال کند و هرچه سالها جمع‌کرده به در و دیوارآن بیاویزد . حق "ویوالدی " را سلب‌کند و از او چیزی بسازد که همه چیزهست جز " ویوالدی " ، آدم ناشی که‌می‌گردد تا یک‌آهنگ (واخیرا بدتر یک تابلو نقاشی)به‌جائی از ذهن او چنگ بیندازد یاخاطره‌ای در او زنده کند همین مسافر است باچمدان معلومات

Scanned with CamScanner

ذهنی درهم ریخته . اوموسیقی رانمی بیند وبه‌آن‌فکرنمی‌کند. اوفضای موسیقی و مفهوم آن را (که فلسفه نیست) تخیل‌می‌کند .

آهنگ‌ساز اسیر تخیل‌شنونده ناشی خودمی‌شود . اما شنونده بافهم ، فضای هندسی یا معماری موسیقی "ویوالدی" را حس‌می‌کند و می‌فهمد . پس می‌تواند به آن عینیت نیز بدهد . درموسیقی "ویوالدی" فرم و فضای معماری‌و سایر هنرهای رنسانس رامی‌بیند . در این صورت عینیتی به هنر موسیقی می‌دهد که مایه‌های رنسانس دارد و دید خود نقاش‌یا طراح را ، طرز کارنقاشی هرچه باشد . پیکاسوطرح‌های یونانی را باچشم "خودش"می‌بیند .

نقاش‌یا طراح‌یا عکاس یا ترکیب‌کننده پشت جلد یک صفحه آگاه یا ناآگاه (که‌کم‌اتفاق می‌افتد) فضای یک آهنگ موسیقی را در هنر پلاستیک هم عصر آن جستجو می‌کند و آن را از دید وبرداشت شخصی خودش عبور می‌دهد و به طرحی مبدل می‌سازد که بالاخره کار خود اوست .

طرح "روکوکوی"روی جلد یک صفحه " روسینی " یک تابلو " هارتونگ" روی جلد صفحه‌ای از "هربی‌من" نوازنده فلوت و آهنگ‌ساز جاز ، انتخاب یک‌تابلو از " پیسارو" برای موسیقی " دبوسی " ، همین رابطه راتائیدمی‌کند " پیسارو" از طبیعت‌رنگها ومنشورهای کوچک رنگی رادیده‌است نقاش‌بعدازاوممکن‌است چند سطح‌رنگی ببیند ، بدین ترتیب طرحی‌که او برای موسیقی دبوسی بسازد همان‌است اما ازنظرشکل‌کاربا "پیسارو"متفاوت‌است .

آبستراکسیون هم که درنهادآدمی‌زاد هست . خدا هم از آبستراکسیون درامان نیست تا چه رسد به طبیعت یا مثلاً هنر "روکوکو" پس اگر"جاکسون پولوک"هم طرحی برای آهنگی از روسینی‌بسازدآبستره است و"روکوکو". کار نقاش روی جلد صفحه حرکتی‌است ازذهنیت، به عینیت (مثل کاراکتر نقاش‌ها) ، دراین نمایشگاه باید به این موضوع توجه‌داشت .

جلال مقدم

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه گروهی نقاشی در آغاز دومین سال فعالیت نگارخانه ایران

تالار ایران، در آغاز دومین سال فعالیت خود، نمایشگاهی از آثار پاکباز، جودت، شیوا، مثقالی و قندریز ــ که خود از گردانندگان آن هستند ــ ترتیب داده است. علاقه‌مندان به این تالار و دوستانی که به نوعی، در جریان فعالیتهای سال گذشته ای آن بوده‌اند. تاحدودی با طرز فکر و سلیقه وبرداشت تک‌تک اینان آشنائی دارند، واین نمایشگاه نیز، نمودار آخرین جستجوی هنری‌وتحول فکری آنهاست.

هرچند ممکن‌است درآثار این نمایشگاه، بیننده به تضادی از نظر شکل ظاهری وحتی دید هنری، برخورد کند ــ و این واضح است به آن علت که این عده رانمی‌توان به‌عنوان یک گروه هنری با تزی‌خاص، قلمداد کرد ــ ولی آنچه مسلم است، اینان به دنبال هدف و مسیر مشترکی هستند: وسیله‌ای برای بیان واقعیات ذهنی و به طور کلی، این تضاد، لازمهٔ کارو مبین جستجوهای صادقانه‌ی آن‌هاست برای رسیدن به‌این‌هدف.

در بررسی آثار این نقاشان ــ و اصولا هرنقاش دیگر این دیار ــ باتوجه به موقعیت حساس کنونی، شاید صرفا تکیه کردن برجستجوهای قالب پلاستیکی، منطقی نباشد. موفقیت صددرصد نیز مطرح نیست، مهم آن‌است که‌این جستجو صورت بگیرد ومخصوصا

Scanned with CamScanner

عاری ازانحراف و دور از "شارلاتانیسم" باشد. واین ، البته ، درحد خود کار چندان ساده‌ای نیست ، چه ، میدانیم که نقاشی امروز ما ، در برخورد با مسایل خاصی دچار برداشتهای منحرفی شده که چندان هم سودی متوجه هنرمند نمی‌کند. لذا به نظر می‌رسد که جستجوئی راستین در مسیری صحیح ــ بهرشکل ووسیله‌ای که باشد ــ قابل‌توجه است. نقاشان این نمایشگاه معتقدند که با توجه به فضا ، زمان ومکان ،این مسیر ، مسلما دور از ذهنیات هنرمند نیست و تنها شناخت آن و تسلط برآن ، می‌تواند متضمن موفقیتی درآینده باشد.

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه نقاشی منصور قندریز و روئین پاکباز

نقاش پیشرو ضمن تجربه‌های‌عملی خود ، بطور ناخودآگاه عواملی راکه‌گاهی ذهنی و زمانی عینی هستند ،از ساختمان نقاشی خود جدا می‌کند و عوامل دیگری راجانشین آنها می‌سازد . ولی تماشاچی که برمبنای ذوق خود برای هنر ، ارزشهای‌معین و محدودی قائل شده است وهمه چیز را از دریچه همین ارزشهای ثابت و محدود می‌بیند ، اغلب‌درجا می‌زند وقصد داردکه درارزیابی آثار هنری از اطلاعات قبلی‌خود که زیاد دچاردگرگونی نشده ، استفاده کند و به بدو خوب کارهای هنری قاضی شود . سرشکست تماشاچی در همین‌جاست . زیرا او موقعی خود رالنگ‌لنگان به نقطه و مرحله‌ای از دوران خلاقیت هنری نقاش میرساند که نقاش آن نقطه و مرحله راترک‌گفته و به سراغ تجربیات هنری دیگر رفته است . نتیجه این فاصله بین هنرمند خلاق و تماشاچی تاحدی باذوق چیست؟ نوع‌تاسف و نارضائی از طرف تماشاچی ، در مورد اینکه کار نقاش تحولی یافته‌است که‌برخلاف‌پیش‌بینی و تصور اوست . تماشاچی عصبانی است و علت عصبانیتش تنها ، عدم آمادگی او برای پذیرش دگرگونیهای جدید در خلاقیت هنر است . به گمان اونقاش دارای شخصیت هنری مستقل و مشخصی نیست ، سخت دمدمی و متحرک و گریزان است ، امروزدر نقطه‌ای است و فردا در نقطه‌ای دیگر . تماشاچی ، ثبات نقاش را در تظاهرات و جلوه‌های‌عینی

Scanned with CamScanner

کار او جست و جو می‌کند و توجه ندارد که ثبات خلاقه نقاش از ضرورت درونی او مایه می‌گیرد و در نفس اشتهای او برای کشف و جستجوست و او از هرمرحله‌ای به عنوان پله‌ای برای رسیدن به کشفیات آفرینشی بعدی استفاده می‌کند .

تمام تجربیات ومراحل قبلی به منزله پله‌هائی هستند تا مرحله بعدی زائیده شود. اگرتماشاچی عصبانی و منتقد تنگ‌حوصله ، به این نکته‌مهم از خلاقیت آثار هنری‌پی ببرند فاصله از میان برداشته خواهد شد .

بطورکلی نقاش کاشف با تعمیم ارزشهای قراردادی به تمام مراحل‌هنری مخالف‌است و همیشه بآن مبارزه می‌کند . او از کلیشه‌ی هرنوع قراردادی گریزان است و اصولا قرارداد فقط به فهم آثار هنری ممکن است کمکی کند نه به خلق آنها .

نقاش راهگشا با هر تلاش ، سدی راکه بین خود و روحش حس‌می‌کند ،می شکند و در این سد شکنی قیافه‌ها ، اشیاء و حالات پدیدار شده ، بعد ناپدید می‌گردند .

چهره‌های پدر ومادر ، دوست و دشمن ، همسایه ، آشناو ناشناس در برابر اوظاهر می‌شوند واز نظر او بدون تصادم وبرخورد با این چهره‌ها بازگشتن به خود امکان‌پذیر نیست . باید این چهره‌ها را شناخت تا امکان خودشناسی میسر گردد .

در چنین موقعیتی ، نقاش درآن سوی خود قرار می‌گیرد و "من‌بودن" راکه ایده‌آل اوست ، در " همه‌بودن " می‌بیند ودرمی‌یابد که برای خودشناسی چاره‌ای جزشناختن دیگران نیست . ارتباط نقاش به اجتماع‌نیز از همین‌جاست ، زیرا نقاش بامردم ، قوم و قبیله‌ونژاد خود ، پیوندهای خونی وارثی دارد . با آنها گام برخاک نهاده است و درمیان آنهامی‌میرد و بهمین دلیل نقاش‌با رفتن به سوی آنها در واقع به سوی خود رفته است . باشناختن زبان آنها ، خود را شناخته است .

از این مرحله‌که بگذریم نقاش‌می‌کوشد خود را به نیروی خود حفظ کند ، آنهم نه از طریق منطق وحسابهای ریاضی و عقلایی ، بلکه به وسیله منطقی دیگر که بهتراست آنرا

Scanned with CamScanner

"منطق هنری" بنامیم .

نقاش به وسیله این منطق هنری از محسوسات ذهنی خود مایه‌می‌گیرد و به وسیله آن " نظریه بصری " خود را ارائه می‌دهد وحتی دراین راه آنقدر پیش‌می‌رود که‌به‌منطق درخشانی برای زیستن دست می‌یابد . دریچه‌ها یک یک گشوده می‌شود واو بیش از پیش زندگی را با نیرو و قدرت بیشتری می‌بیند و هستی خود و طبیعت را زندگی‌می‌کند . برای دست یافتن به جوهر و حقیقت زندگی وعالم ، وبرای کشف بهتر "من‌درونی" خود ، چهره خودرا در آئینه‌های مختلف واز گوشه‌ها وابعاد مختلف می‌بیند . در بیکرانگی تخیل ، در واقعیت اشیاء ، در مذهب و اساطیر و آداب و سنن ، خطوط چهره خویش رامطالعه می‌کند ومرحله به مرحله به "خودشناسی" نزدیک‌می‌شود ، عطش خودشناسی آنچنان او راحریص و مولع می‌کند که او بیش از پیش دست به تلاش می‌زند تا دوگانگی از میان برخیزد ویادر وجودی واحد فراهم آید .

تماشاگران باذوق ممکن‌است گمان کنند که نقاش راه خودرا شروع کرده ، حتی‌منازلی را هم پیموده است . این تصور ممکن است درست یا نادرست باشد ، چرا که نقاش خود ، اغلب به این موضوع واقف نیست که چگونه موفق به پیداکردن روش ویژه و مستقل خودشده است .

اغلب آزمایش می‌کند و سرگرم تجربه‌های پلاستیکی‌خویش است . در رنگ‌آمیزی و ترکیب و ریتم وحالت خطوط و تعادل سطوح‌هزاران سئوال دارد و کوشاست تا با بردباری وشکیبائی بهریک از آنها پاسخی بیابد و بعد پاسخی عمومی برای تمام سئوالهائیکه برای او همیشه مطرح بوده‌اند . او باهمین پاسخها به‌سئوالهائی که در ذهن تماشاچی‌هست ، نیز پاسخ می‌دهد ، گرچه این کار هرگز بطور مستقیم صورت نمی‌گیرد .

ازآنجا که نقاش‌همیشه درحال‌تجربه‌کردن است واز کارهای پلاستیکی خود ، نتیجه — گیری‌می‌کند ، نمی‌تواند و نمی‌خواهد که توقف کند ، اوهمیشه درحال تحول و دگرگونی‌است

Scanned with CamScanner

تا به سهولت در بیان وبه ساده‌ترین اشکال در قالب کلی اثر خویش‌دست یابدوچون‌زندگی وانسان زنده پیوسته در حال حرکت هستند ، به نقاش خرده نمی‌توان گرفت که چـــرااز دوستداران نقاشی خود فاصله گرفته و آنها را در پشت سرگذاشته‌است .

نقاش‌پیشرو معتقد است که‌هیچ‌کاری ،خواه علمی و خواه هنری ، بدون هدف‌مشخصی نمی‌تواند بود . کار خلق آثار هنری نیز هدف مشخصی‌دارد . سطوح و خطوط و احجـام‌و کیفیت کمپوزیسیونها ازنظر نقاش وسایلی‌هستند تا تاریکی‌های درون اوازروشنـــی وآشنائی و شناخت بهره‌مند گردند و از آنجا که نیمی‌از فعالیت‌مربوط به نقاشی ، ذهنی‌است، هر تابلو چارچوبی عینی‌است که ذهنیت نقاش درآن انعکاس یافته است وهنرمند باهرتابلو سئوالی را نیزمطرح‌کرده‌و به آن جواب می‌دهد . گرچه جوابهای او در زمان و مکان معینی به ایجاد تفاهم متقابل بین او و دوستداران نقاشی‌کمکی‌نمی‌کند ،

اگرقراربراین‌باشد که نقاشی به صورت چراغی‌باشد ، نقاش باید به لزوم جست‌وجو در خود و در طبیعت و یافتن دیدی انسانی براساس منطقی هنری ، ایمان داشته باشـد. تنها دراین صورت نقاشی او جلوه وانعکاس وجود خود او وجلوه‌ها وانعکاسات ذهنی‌سایر انسانها خواهد بود .

نقاش می‌کوشد با فرم‌ها و رنگ‌ها و خطوط مفاهیم ذهنی فرار خود را ضبط‌کند.

نقاش ، کاوشگروکاشفی‌است‌که باسایر هنرمندان ، کاوشگران وکاشفان ، فقط دروسایـل کار فرق می‌کند .

منصور قندر ریـز

اردیبهشت ۲۵۲۴شاهنشاهی

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه نقاشی روئین پاکباز

جای شک است که بتوان تشریح کامل و همه جانبه‌ای از محصول هنری یک هنرمند کرد، به ویژه اگر او حرفه‌ای باشد، زیرا وی ضمن کار مداوم و روزانهٔ خود، بینش عالی نسبت به وسایل بیان و فضای کار خود می‌یابد که لزوما درحال تغییر است.

پاکباز در کار خود حرفه‌ای است ــ حداقل من اینطور گمان می‌کنم، هرچند آثار این نمایشگاه فاصلهٔ چندانی باکارهای نمایشگاه گذشتهٔ او (نمایشگاه دستجمعی تالار ایران مهرماه ۲۵۲۴) ندارد ولی درآنها دست یابی و درک بالاتری نسبت به فرم و فضای کار می‌توان دید.

نمایشگاه قبلی مبین این نکته بود که فرم می‌خواهد جلوهٔ بهتری داشته باشد ــ به کمک تکنیکی نظیر حکاکی، درهمان زمینه‌های قهوه‌ای وآبی تیره. و این تاحدودی مغایر کارهای جلوتر پاکباز بود که اغلب فرم در فضای خفه و تیره محو می‌شدند (نمایشگاه اردیبهشت ۲۵۲۴ با قندریز). ولی اکنون فرم‌ها با قاطعیت وسادگی تمام، جلوه‌یافته‌اند. به نظر من موفقیت، بیشتر درآن است که فضای رنگی همان قهوه‌ای تیره است.

خودش در این مورد می‌گوید: " قاطعیت ــ و شاید خشونت ــ فرم‌ها درکارهای جدیدم، علاوه برآن که محصول جستجوئی جهت دست‌یابی به بیان موجز و ساده است،

Scanned with CamScanner

یک مقدار نیز نتیجهٔ استفاده از مادهای است که در تابلوها بکار می‌برم . وبه‌این ترتیب، تکنیک رنگ‌آمیزی‌ام ، هم‌ازسهولت وآزادی بیشتری برخوردار می‌شود و هم شخصیت‌خاص فرم‌ها را حفظ‌می‌کند . " این تغییر ، حداقل‌از نظر عینی ، به صورت یک موتاسیون‌نیست . چه‌درهمین نمایشگاه ۲ تابلومی‌بینیم که حد فاصلی‌هستند بین آثار گذشته وجدید پاکباز (شماره ۱ و ۲) . بقیهٔ تابلوها از نظر من به دو دسته‌تقسیم می‌شوند : اول آنهائی‌هستند که متن‌شان جدا ازفرم‌های انتخاب شده ، یک نوع فضای طبیعی ــ و گاهی متافیزیکی ــ به تابلومی‌دهند (شمارهٔ ۵ و ۷ و ۰۰۰) به این‌آثار من اعتراض دارم . دوم تابلوهائی است که متن درآنها جزء لاینفک فرم‌های ترکیبی‌می‌باشد و در گویایی فرم‌ها شرکت می‌کنند (شمارهٔ ۱۰ و ۰۰۰) بینندهٔ این نمایشگاه ضمن سیر وسیاحت در رنگ‌ها ، بین‌دوحد سیاه و نارنجی‌نوسان می‌کند و از توتالیته‌های مختلف قهوه‌ای می‌گذرد ، بدون آنکه‌در برخورد با یک کنتراست شدید ، یک " ضربهٔ ناگهانی " راحس‌کند . وپاکباز از این‌طریق است که باهنر مغرب زمین فاصله می‌گیرد .

بطورکلی پاکباز دراین تابلوها ، بی‌آنکه به هندسه ریاضی رسیده باشد ، درپرداخت فضای امروز ما ــ بافرم‌های هندسی ــ موفقیت دارد .

م ــ جودت

فروردین ۲۵۲۵ شاهنشاهی

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه گروهی از آثار چند نقاش جوان *

نمایشگاه‌هائی این چنین نمودار تلاش انفرادی نقاشان جوانی است که درفضای مه‌ـ گرفته ، امروز این سرزمین ، به‌هرحال ، برای یافتن کوره‌راهی جستجو می‌کنند . این جستجوها مانند هرکوشش دیگری که درزمینـهٔ نقاشی دراینجا صورت می‌گیرد ـ نمی‌تواندو نبـاید صددرصد موردتأ ییدقرارگیرد. چرا که برای ما هنوز معیاری مشخص نه برای نقاشی‌کردن و نه برای سنجش نقاشی‌وجود ندارد . این جستجوهاهرچند به‌نظر بسیاری دور از واقعیـت جلوه‌می‌کند ولی‌لامحاله کوششی‌برای یافتن معیارهای صحیح و قابل انطباق بامحیـط ما و زندگی ما است .

نقاشی‌جوان با پرداختن به نقاشی سنتی درهمان قالب و محتوی کهنه و یا باتغییر ظاهری ویحتمل دریک قالب چشم فریب ـ که احیانا مقبولیت بیشتری خواهد داشـت ـ جوابی‌برای‌مسایل‌زندگی کنونی خود نمی‌یابد . شکاف عمیقی زندگی‌امروز نقاش رااز گذشته و سنتها جداکرده‌است ولی درعین‌حال وابستگی هائی او را به دنیای‌اجدادیش ربـط می‌دهد .آن‌دنیا تاچه حد می‌تواند تکیه گاه مطمئنی‌برای او باشد ؟ .

ازطرف دیگر برای‌نقاش‌امروززیبائی شناسی رومانتیک پنجاه،شصت‌سال اخیر جز نمود مسخره‌ای‌ازتقلید سنت‌های قدیم مغرب زمین نیست . و بدبختانه نقاش جوان در تخیلات

Scanned with CamScanner

آکادمیک خود مجبور است به آن بپردازد. و نیز مسلم است که راههای بیشماری که هنر غرب با سرعت می پیماید و جنبش مدرنیسم غربی ــ که گاهی بی شباهت به یک هیاهو و نوعی بی ــ نظمی نیست ــ محصول عوامل گوناگونی است که در محیطی کاملا متفاوت به وجود آمده و باین علت گره‌گشای معمای ما نمی‌تواند باشد. تلاش مذبوحانه برای بین‌المللی جلوه‌دادن مسایل هنری درجوامعی مانند جامعهٔ ما و یا راه یافتن به مراکز هنری اروپا و امریکا نیز دردی را دوا نمی‌کند و حتی بسیاری ازاذهان رانیز منحرف می‌سازد.

دراین برزخ شاید یک تلاش پیگیرو صادقانه برای آگاهی یافتن به مسایل هنری و اجتماعی واحتیاج درونی به ساختن یک زندگی نو می‌تواند امیدبخش باشد...

روئین پاکباز
۲۵۲۶ شاهنشاهی

---

* در این نمایشگاه نقاشی‌های بهرام روحانی، علی ناظریان، ناصر درخشانی، گارنیک درها کوپیان دانشجویان سابق هنرکده هنرهای تزئینی و نیکزاد نجومی دانشجوی سابق دانشکده هنرهای زیبا بنمایش گذارده شد.

Scanned with CamScanner

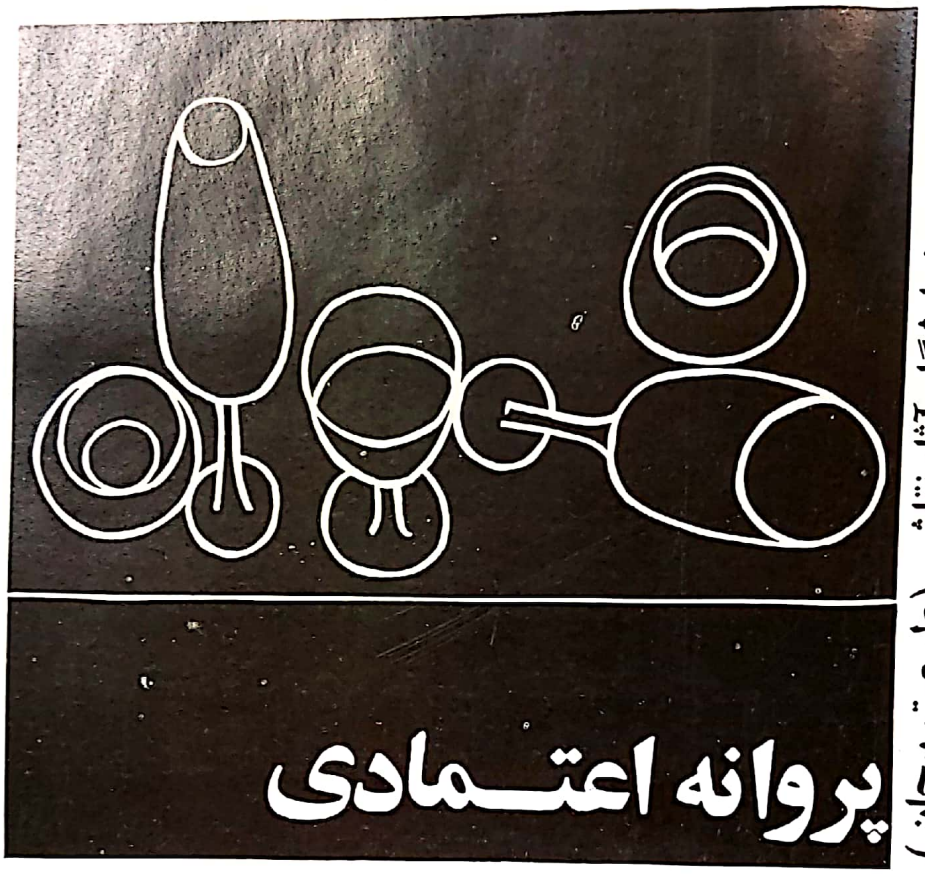

از اول اردیبهشت ۴۷ در تالار قندریز: خیابان شاهرضا روبروی دانشگاه

پوستر نمایشگاه نقاشی‌های پروانه اعتمادی

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه « طبیعت بیجان » های پروانه اعتمادی

اشیاء باشکل وفرم و رنگشان ، دارای زیبائی خاصی‌هستند که در تجمع بایکدیگر و به‌وسیله‌اصول زیبائی شناختی صحیح ــ که در عین حال اصول لایتغیری‌نیستند ــ با یکدیگر روابط جالبی می‌توانند پدید آورند . اساس " طبیعت بی‌جان " برهمین رابطهٔ معنوی اشیاء باخود و با فضای اطرافشان استوار است .

طبیعت بی‌جان‌های امپرسیونیست‌ها و سپس‌سزان از اشیائی ساخته می‌شدند که ما در زندگی روزمره به‌آسانی و بدون توجه از آنها می‌گذریم ولی دید دقیق این نقاشان به روابطفرم و رنگ اشیاء و ترکیب آنها دنیای کاملا تازه وجالبی را پیش چشم ما می‌گشود . دراین آثار اشیاء باتمام خواص بصری‌شان ــ رنگ‌و فرم و جنسیت‌مادهٔ متشکله آنهاو . . . ــ مورد نظر بود ، ولی‌برای نقاشان بعدی از جمله کوبیست‌ها اشیاء صرفا وسایلی‌بودند که بتوان‌به‌یاری آنها فکری را عرضه کردو به این جهت تحریف‌شکل و ساده کردن نگاره‌ها معمول شد . بهرحال امروزه در نقاشی پرداختن به شیئی وروابط‌آن بنحومستقیم مساله‌ی کهنه‌ای‌است .

دراین نمایشگاه با آثار نقاشی روبروهستیم که از او کارهای دیگری و در زمینهٔ‌متفاوت دیده‌ایم . بعضی از این آثار همزمان باکارهای آبسترهٔ او به وجود آمده و بلاشک تحت‌یک نظم فکری‌واحد ساخته شده‌اند،بالنتیجه کمپوزیسیون‌ها شباهت‌هائی باهم دارند .درصورتی

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاهی از پوسترهای خارجی *

امروز رسالت اجتماعی هنرهای تجسمی ــ به ویژه نقاشی و مجسمه‌سازی ــ از صورت تاثیرگذاری مستقیم وآنی خارج شده است. به عبارت دیگر، این هنرها برانگیزاننده (و احیانا تخدیرکننده) ویا نقاد اجتماعی نیستند. در عوض وظیفهٔ وسیعتر واحتمالاموثرتری را به عهده گرفته‌اند که در ساخت فرهنگ یک جامعه و در مقیاس وسیعتر، درتحول تمدن بشری نقش فعال دارد. پس با این طرز فکر، نقاش و یا معمار را "متعهد" می‌دانیم ولی نه با تعریفی که از "تعهد" برای مثلا نویسنده قائلیم. اگرنقش عناصر بعدی (رنگ ــ فرم، حجم، نور، مصالح و مواد ...) و فضای زیستی را درزندگی بشر فراموش نکنیم، متوجه می‌شویم که این عناصر هرگاه در خلاقیتی انسانی بکار گرفته شوند، چگونه می‌توانند جوابگوی خواست‌های طبیعی بشر و رهبری‌کنندهٔ او در جهت نیازهای متعالی باشند.

امروزه، نقاش تنها به تاثیرات آنی‌ای که آثارش بربیننده ویا بینندگان احتمالی می‌گذارد، نمی‌اندیشد، وکارخود را بانمایش یک موضوع خاص، خاتمه یافته تلقی نمی‌کند. برای اوامکانات ولیاقتهای زیستی بشرمطرح است. وگاهی حتی پیش‌بینی می‌کندو پیشنهاد می‌دهد. وظیفه‌ی او سوای نشان دادن واقعیات عینی اجتماعی است. البته منکر نمی‌شویم که در جهان کنونی وبا اختلاف سطح‌هائی که درفرهنگها وجود دارد، انجام این وظیفه در جوامع

Scanned with CamScanner

مختلف ، اشکال متفاوت به خود می‌گیرد .

امروزه ، نقاش حتی خود را در قالب "تابلوسازی" محدود نمی‌کند . او از همهٔ امکاناتی که زندگی و تکنولوژی این عصر ، در اختیارش گذارده ، سود می‌جوید تا بتواند فکر خود را هرچه بیشتر "همگانی" سازد و در رابطهٔ نزدیک‌تر با توده مردم قرار دهد .

هنرگرافیک یکی از رشته‌های نقاشی است که مخصوصا در این قرن ، آنان را از انحصار موزه‌ها و نمایشگاه‌ها و کلکسیونرها و هنردوستان آنچنانی ، رهائی بخشیده است . و غالب هنرمندان امروز ، به نوعی به آن پرداخته‌اند .

شک نیست که هنرگرافیک در جوامع غرب به تبلیغات و به خصوص تبلیغات تجاری ، وابستگی شدیدی پیدا کرده است . و این شاید دامی برای آن باشد و اگر اعتراضی هست ، بر کیفیت این تبلیغات است نه بر عرضه‌ی هنری آن . هنرمندی که به هنر تبلیغات می‌پردازد ، هرچند نیروی خلاقهٔ خویش را در جهت معرفی یک کالا و یا یک موسسهٔ خاص به‌کار می‌گیرد ولی همراه آن ــ و شاید بالاتر از آن ــ مایه‌ای از فکر و جهان بینی خویش را نشان می‌دهد . و در این جنبه است که ما بر کار او ارزش گذاری می‌کنیم .

در نمایشگاه حاضر ، ما با چند آفیش از "ژرژ ماتیو" نقاش "فاشیست" روبرو می‌شویم ظاهرا کار او معرفی یک شرکت هواپیمائی و هم‌چنین کشورهائی که این شرکت در آنها خطوط هوائی دارد می‌باشد ، ولی برداشت او از این "موضوع" کاملا تحت الشعاع فلسفهٔ نقاشی و جهان بینی او قرار گرفته است .

و یا در آفیشی که "فولون" گرافیست و کاریکاتوریست فرانسوی برای نمایشگاه آثار نقاشان اروپائی ساخته و شوالیه‌ای را سوار بر اسب رنگین و با پاهای متعدد نشان می‌دهد ، پیش از آن که فقط یک آگهی برای معرفی یک نمایشگاه باشد ، نمودار فکر طنز آمیز او نسبت به نهضت مدرنیسم هنری در اروپاست .

روئین پاکباز

۲۵۲۷ شاهنشاهی

---

* بخشی از این نمایشگاه به پوسترهایی اختصاص یافت که "ژرژ ماتیو" نقاش فاشیست فرانسوی برای شرکت آرفرانس ساخته بود .

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه آثار گرافیک مرتضی ممیز

کارهائی که از ممیز در این نمایشگاه به تماشا گذاشته شده کارهای گرافیک است . " تصویر- گری " غیر از نقاشی است . در بارهٔ آن باید باموازین خود آن داوری کرد .

داوریهای غلط غالبا از اینجا برمی‌خیزد که ما موازین یک رشته از کار را برای سنجش یک رشته دیگر به کار می‌بریم . در تعریف یک تابلو نقاشی ، مثلا می‌گوئیم که نقاش خیلی زحمت کشیده است . در حالی که باید اعتراف کرد که زحمت برای سنجش کار عمله وباربر ملاک مناسبتری است، تا برای سنجش کار نقاش.

هنر "گرافیک "هم در موضع این اشتباه کاری هست . طرز نگاه مهم است . یک هنر خالص یا مطلق نیست . نقاشی عکاسی و چاپ از یک طرف وجه صوری و معنوی کلام از طرف دیگر عناصری است که هنر گرافیک را پدید می‌آورند، بنابراین گرافیک یک هنر التقاطی است. یک نتیجه است ، نقطه تلاقی امکانات چندفن وهنر دیگر است و لذا یکی از مهمترین موازینی که در سنجش کارهای گرافیک باید ملاک قضاوت باشد این است که این کارها در وضعی که هستند ، یعنی در این نقطه تلاقی ، چگونه سازش را میان عوامل و عناصر متشکله خود پدید آورده‌اند . اگر این سازش به اقتضای سرشت آن عوامل وعناصر صورت گرفته باشد ، اگر (آن- طورکه منوچهری در وصف شعر عنصری می‌گوید) " طبیعی و غریزی " باشد و در یک کلام اگر

Scanned with CamScanner

سازش فرخنده باشد ، نتیجه کارنظر رامی‌گیرد یابرقی درنگاه می‌افزود یالبخندی‌برلب‌نقش می‌کندوگر نه‌مانند همه نمونه‌های‌هنرکاذب‌که عوارض‌کسالت"خودنمائی" Exhibtionism است فقط‌شایستهٔ پوزخند خواهد بود . و بعد گرافیک یک‌وسیله بیان است ، یک‌زبان است یا شاید نوعی زبان بی‌زبانی است . پوستر روی دیوار مطلبی‌دارد که می‌خواهد به هرقیمتی شده‌آن‌را به عابری که حواسش به هزار جا تقسیم شده برساند . بنابراین هنرمند گرافیست به هیچوجه آزاد نیست . در دایره امکانات هنر گرافیک از یک طرف و در غرض‌کاری که میخواهد از طرف دیگر و ذوق وپسند سفارش دهنده‌ای که این غرض به او مربوط می‌شودباز از طرف دیگر محدود است . وظیفه دشوار این است که در میان همه این محدودیتهاآن آزادی راکه شرط‌اساسی‌آفرینش‌است برای خودنگاه دارد ، یا بلکه این آزادی را از آن محدودیتها پدید آورد .

مرتضی ممیزدرکار گرافیک در محیط ما پیش‌کسوت است در کارهای او تجربه وپختگی دررشته‌های مختلف نقاشی و آشنائی با امکانات فنی اجرای فکر،ویک‌نوع‌سبکروحی‌وشوخ‌طبعی مطبوع باهم دیده می‌شود .

"ممیز"یک‌گرافیست‌آفریننده‌است .هرکس‌بایک مسئله گرافیک به سراغ او برود می‌تواند کم و بیش مطمئن‌باشد که دیر یا زود در ذهن این هنرمند جرقه‌ای خواهد زد که مساله او راحل خواهد کرد . به همین جهت شاید برای سفارش‌دهنده بهتراین باشد که بیشتر به جنبهٔ آفرینندهٔ او تکیه‌کند ، یاکسانی که برای قبولاندن پسندخودشان به او زیاد اصرار می‌کنند در حقیقت به‌زیان خود چنین می‌کنند .

نجف‌دریابندری
۲۵۲۹شاهنشاهی

Scanned with CamScanner

پوستر نمایشگاه آثار گرافیک مرتضی ممیز

Scanned with CamScanner

گزیده‌ای از نشریه نمایشگاه آثار گرافیک مرتضی ممیز

امروزه ، "مرتضی ممیز" برای ما نام کم و بیش آشنائی است . اودر سالهای گذشته ، با نقاشی و سپس بطور جدی تر با فعالیت در زمینهٔ هنرگرافیک ــ به ویژه تصویرسازی ــ خود را شناساند .

" ممیز" در موقعیتی شروع به کار کرد که هنرگرافیک در جامعهٔ ما کیفیت ناشناخته‌ای داشت و برخورد با سفارش دهنده و تحمیل یک اثر خوب به او مستلزم تلاش فرساینده‌ای بود . همین مساله جبرا "ممیز" را به سوی امکانات آماده‌تری کشاند . چند هفته نامه و ماهنامه ویکی دوموسسه‌ی انتشاراتی که مسئولان فهمیده‌تری داشتند ، شرایط نسبتا مساعدی را در اختیار او گذاردند . و در این شرایط "ممیز" به تدریج خود را ساخت و از طریق تجربه‌های گوناگون به شگفتی رسید . طبیعتا برتعدادی از همکارانش ، که شرایط تقریبا مشترکی با او داشتند ، تاثیر گذارد و آنها را بدنبال خود کشانید . در سفر اروپا ، "ممیز" با هنرگرافیک غربی تماس بیشتری بر قرار کرد . و نیز توانست در نمایشگاه‌های گروهی موفقیت‌هائی کسب کند . در یکی دو نشریهٔ معتبر آنجا نام و کار او در کنار گرافیست‌های معروف به چاپ رسید .

اکنون ، او را گرافیست ماهری می‌بینیم که به‌هرحال در میان قشر روشنفکر جائی برای خود باز کرده است : بسیاری از کتاب‌های شعر و قصه‌ی معاصر و اغلب نمایشگاه‌های نقاشی ، و بیشتر تئاترها به‌یاری کار "ممیز" معرفی می‌شوند و غالبا خوب معرفی می‌شوند . پژوهشهای

Scanned with CamScanner

زیبائی شناختی "ممیز" که گاهی در مقام یک پیشقدم به آنها پرداخته ــ در خور توجه و تامل است .

مهارت دربرگرداندن موضوع‌های روایتی به ایده‌های تصویری ، به کار برد دقیق خطوط و استفادهٔ شایسته از بیان تجسمی آنها ، ترکیب مناسب وگویای عناصر و به ویژه اهمیت دادن به فضاهای پروخالی برای القاء مفهوم یک موضوع ، جستجو درشناخت امکانات مختلف خطاطی امروز فارسی (بی‌آنکه به بیراهه‌های شکل‌گرائی کشانده شود) و تخیلات شاعرانه ــ وگاهی هزل‌آمیز ــ ، ازخصوصیات عمدهٔ آثار اوست . اگرچه درتمام کارهای "ممیز" این خصوصیات دریک حد مطرح نمیشوند و نتیجتا در بعضی آثار او به‌افت‌های غیر منتظره‌ای برخوردمی‌کنیم .ولی نقص‌را شاید بتوان محصول اعمال نظرهای سفارش‌دهنده انگاشت تا سهل انگاری هنرمند . تمام این نکات "ممیز" را به عنوان یک‌گرافیست‌ماهر در نظر منقدان معرفی می‌کند . با این‌همه ،او رامی‌توان یک هنرمند بین‌المللی دانست ، ولی نه‌یک هنرمندملی .چرا ؟

پاسخ‌را درکیفیت پرورش‌هنری "ممیز" و میزان شناخت او از مسئولیت‌های یک‌گرافیست باید جست اگر چه او معتقد است که "گرافیک هنری نزدیک به‌مردم است " به‌خاطر رابطه‌اش با مسایل اقتصادی ، ولی‌برداشت او از مردم ــ یعنی مهمترین مسأله‌ای که یک گرافیست‌باآن روبروست ــ از نظر "ممیز" دریک کمیت قلیل قشر روشنفکر محدودمی‌گردد .اوخود را در فضای روشنفکری محبوس‌کرده است و در نتیجه بیشتر قادر بدرک ذوق و سلیقه روشنفکرانه ، وارائه‌ی‌آنهاست . شاید به‌همین دلیل باشد که به ندرت می‌بینیم " ممیز " در زمینهٔ تبلیغات تجاری‌کار کند . چون در آن صورت در مقابل ذوق منحرف‌شدهٔ تودهٔ وسیع مصرف‌کننده (بنجل‌های‌گرافیک دراین‌انحراف سهیم‌بوده‌اند) ، مجبوربه عقب‌نشینی است . او حتی‌هنگامی‌که به تصویرسازی برای کتاب بچه‌ها می‌پردازد ، به خواستهای شکل نگرفتهٔ کودکان ونوسوادان ، که‌بینندگان‌آیندهٔ آثاراو خواهند بود ، بی‌توجه‌می‌ماند . به عبارت دیگراو قادر نیست تجربیات‌زیبائی شناختی‌خویش را در خدمت یکی‌از مسئولیتهای

Scanned with CamScanner

خطیر هنر گرافیک، یعنی آموزش، قراردهد. با این‌همه نمی‌توان به تائید کامل روشنفکر از "ممیز" اعتقاد داشت. زیرا روشنفکر مدعی، با معیارهای‌شناخته‌شدهٔ خود غالبا درمقابل هرنوع پیشروی که بااصول او ناسازگار باشد، ایستادگی می‌کند. به‌این جهت "ممیز" که ــ حداقل ــ به میعارهای سالم‌هنری درکارش شدیدا معتقد است ــ برای ارائهٔ آن‌مجبوراست با این جماعت نیز به جدال بپردازد...

روئین پاکبـــاز

مهر۲۵۲۹شاهنشاهـــــــی

Scanned with CamScanner

گزیده‌ای ازنشریه نمایشگاه نقاشی های عباس بیانی

در سالهای بین دوجنگ جهانی ، اروپا تب‌آلود و بحرانی‌است . خلاء روحی‌ای‌که‌جنگ ایجادکرده ،نگاه‌ها را به درون رانده و محیط مناسبی‌برای رشد امیال‌وآرزوهای‌فردی‌آماده ساخته است . اندیشه‌های "فروید " از یک سو وکشف‌اتم و نظرات علمی ، از سوی دیگر ، ذهن‌ها و چشم‌ها را متحیر کرده‌است . بینش‌های علمی ـ عرفانی و دیدگاه‌های آرمانی فیلسوف مآبانه به قوت خود باقی است . اخلاق بامفاهیم متداول آن دیگر کلمهٔ پوچ و ابلهانه‌ای است . باجنبش‌هرج ومرج طلب "دادا " زیبائی شناسی‌از هم پاشیده شده‌است . خودآگاهی دیگر معنائی‌ندارد . ناچار باید برهمین خرابه‌ها نظامی‌نوساخت ، باید ارزیابی مجددی در ارزشها به عمل آورد .

" سوررآلیسم " دربستراین‌کشمکشها‌زاده می‌شود و رشد می‌یابد . در قلمرو ادبیات و فلسفه ، سوررآلیسم کاوش در ناخودآگاهی وبی‌اختیاری را برمی‌گزیند . هنرمند که‌عمدا می‌کوشد کنترل ذهنی خود را مردود بشمارد ، به افسار گسیختگی‌های عاطفی ،به کابوس، رویا ، جنون ، ادراکات غریزی و حالات روانی فرصت خودنمائی‌می‌دهد . جهان‌بینی های هذیان زده ، خردگریزی بیمارگونه ، کشش به سوی " جهان مینایی " و گرایش به دوجنبهٔ توهمی و حقیقی یک واقعیت در ذهن فردگرای هنرمند به فعل و انفعال‌می‌پردازند واحیانا

Scanned with CamScanner

بهانه‌ای برای انتقادهای سیاسی می‌شوند . ولی این "خودرهائی "تااندازه‌ای تعمدی است و تضادی ذاتی در سوررآلیسم به‌وجود می‌آورد . نقاش سوررآلیست اشیاء را به عنوان عناصر کنایی (سمبولیک) در روابطی نامتعارف در تابلو می‌چینند ، به‌منظور آن‌که‌قراردادجدیدی بیافرینند . وجود " اشیاء سوررآلیستی " یا کوشش در "دقت‌رآلیستی " ، تاحدوسواس ، مبین این است که نقاش خواسته‌است آگاهانه ضمیر ناآگاه خود رانقش بزند . عین‌این وسواس آگاهانه در انتخاب رنگ‌ها و هماهنگی آنها نیز دیده می‌شود . به ویژه که سوررآلیسم به نیروهای غریزی ، عواطف وحواس نظر دارد واز راه آنها با بیننده‌ارتباط برقرارمی‌کند .

سوررآلیسم یک نهضت هنری بین دوجنگ‌باقی‌می‌ماند . شاخه‌ای است فرعی ازجریانی عظیم که در خود تمام‌می‌شود و یارای آن ندارد که به شکل توارث فرهنگی ادامه پیداکند ، چراکه در مناسبات اجتماعی خاصی‌به وجود آمده و درهمان شرایط‌خاص نیز محیط زیست خودرا یافته‌است . ولی مکتب سوررآلیسم باتمام عوامل متضادی که درخودداشت ، جرقه‌ای چشمگیر در هنر بودکه درخشش آن زود به پایان رسید .

شکی نیست که گرایش‌های سوررآلیستی ، به صورت جریانی باریک ، به زیست‌خود ادامه داد ، تا آنجا که در دیگر قاره‌های جهان نیز نفوذ کرد . باید دید علت‌گزینش آن از طرف عده ای از هنرمندان برخی کشورها چیست؟ سوررآلیسم در این کشورها برپایه‌کدام عوامل‌اجتماعی قرار گرفته است ؟ نقاش سوررآلیست درچه فضائی کار می‌کند ، چه غایتی برای خویش‌وهنرخود قایل است ، برای چه کسی کارهایش رابه نمایش‌می‌گذارد ؟ و آیا اصولا سوررآلیسم به چه سوء تعبیرها و کیفیات‌مخرب‌می‌تواند منجر شود ؟ در مورد ، ایران حداقل می‌توانیم بگوئیم که‌از پانزده سال پیش به این‌طرف ، همواره‌گرایش‌های سوررآلیستی وجود داشته است . درطی این سال‌ها ،چه بسیار نقاشانی‌که یک دوره کار سوررآلیسم داشته‌اند ویاخود را به گونه‌ای در قلمرو آن محدود کرده‌اند .

در مورد " بیانی " که آثارش گرایشهائی به سوی دید سوررآلیسم دارد ، قبل از هر

Scanned with CamScanner

چیز به نوعی وابستگی برمی‌خوریم . هرچند که اشیاء سوررآلیستی " و "دقت رآلیستی " در کارهایش اندکند ،ولی‌فضای گسترده و روابط نامتعارف ، اشیاء و آدمها ، بیننده را به یک قلمرو شبه سو ررآلیستی‌می‌کشانند . در بسیاری از تابلوها ، بیان رنگ‌ها و تکنیک رنگ‌آمیزی برتمام کیفیات فلسفی و ادبی آن رجحان می‌یابد .

"بیانی "آدم‌های سبزرنگ‌خود را دریک موقعیت‌خاص قرار می‌دهد و به مطالعهٔ رفتار، حرکت و فرم آنها می‌پردازد .این آدم‌ها که در صحرائی با افق وسیع یا در اتاقی با پرسپکتیو هذیانی نشسته‌اند ،از هم وحشت دارند ،نگاهشان از چیزی می‌ترسد . دهان‌های نیمه‌بازشان نجوا می‌کند . آنها گاه پرخاش‌می‌کنند .حتی در تنهائی نیز باخود یا باحیوان مونس‌خود سخن می‌گویند . میل به گناهان پنهانی و تمایل به ارضای غرایزی که دریک زمان ومکان خاص‌پست خوانده‌می‌شودآنها را مشخص می‌سازد . تنگناهای مذهبی‌وفشارهای تحمیل‌شده و حاکم برآن‌ها رنجشان‌می‌دهد . نقاش باتجسم‌کردن‌های لهیده و کش‌آمده ، سرهای به‌گریبان فرورفته ، دری‌که بربالای ساختمان قرار گرفته استو به روی آسمان‌گشوده می‌شود ، زنی‌نیرنگ بازکه‌با دو دستش با دومرد نرد عشق‌می‌بازد یک پرنده ی‌مرده ،زن تنهائی با یک‌پرنده . . . یعنی به‌طورکلی به وسیلهٔ نمادهای‌عینی وباکنارهم چیدن عناصر کنایی ، طنز خود را تلقین‌می‌کند . . .

پیروز افتخاری

دی ماه ۲۵۲۹شاهنشاهی

Scanned with CamScanner

گزیده‌ای از نشریه نمایشگاه عکس های ابراهیم هاشمی *

فقط اشاره‌ای باید کرد تا پرده‌ای به‌کناررود و سطحی حساس در برابر موضوعی قرار گیرد و تصویری ثبت‌کند و بسته شود . خواه لازم باشدکه یکایک درجات دوربین‌قبلا تنظیم شود و خواه اتوماتیسم کامل حکمفرما باشد ، روند عمومی کاریکسان‌است . در برابر موضوع انتخاب‌شده ، در لحظه‌ای عکاس تصمیم خودرامی‌گیرد ، دلایل این تصمیم بسیار متفاوت است ، زیرا نتایج مطلوب یکسان نیست .

بیشک دراینجا دوربین نقش بازی‌می‌کند ، پیشرفت‌های تکنیک تهیهٔ تصاویری را امکان بخشیده است که‌پیش‌ازاین غیرممکن بود .اما عکاس‌نه‌اسیردوربین‌است ، نه‌پای بند فیلم و نه گرفتار روشهای چاپ که از امکانات آنها به خوبی‌مطلع‌است .

درک و فهم برای او به اندازه‌ی‌لوازم مورد استفاده‌اش اهمیت‌داردو شاید بیشتر . دراین میان‌عنصر اصلی " انسان " است .

هادی شفائیه

۲۵۳۱شاهنشاهی

---

* نگارخانه ایران همواره به عکاسی بعنوان یک هنر زنده امروزی توجه داشته است . در این نمایشگاه آثار ابراهیم هاشمی ، عکاس آماتور آبادانی به نمایش درآمد .

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه آفیش های خارجی

چندسالی‌است که برخی از هنرمندان و هنرشناسان و منقدان توجه خویش رابه‌علمی بنام‌علامت شناسی (سمیولوژی) معطوف داشته و به مطالعهٔ علمی علایم کتابی‌وعملکرد آن در تمدن بصری معاصر پرداخته‌اند .ازاین دیدگاه می‌توان بشناخت روند تاریخی ایجاد ارتباط در فرهنگ‌ها دست یافت ، وبا تخیلات ، اساطیر ، اعتقادات و قضاوت‌هاو عادات‌و رفتارهای مردم آشناشد . هنرگرافیک‌و به ویژه آفیش، رابطهٔ دقیقی باعلم‌مذکور دارد ، چه از این نظر که در اشاعهٔ افکار و اخبار ، وسیله‌ای‌مستقیم و درعین‌حال دقیق است ، وچه از این لحاظ که نقش عقیدتی‌آن در نضج و تحول محیط اجتماعی‌و " فضای فرهنگی " تاثیر دارد .نگاهی به تاریخچهٔ آفیش، شناسائی و ارزیابی کمی وکیفی‌آن‌را آسانتر میسازد :

پس ازانقلابات بورژوازی‌وهمزمان با انقلاب صنعتی وپدیدآمدن‌رقابت آزاد در تجارت و گسترش سریع شهرها و نیاز به ایجاد ارتباط هرچه بیشتر بین مردم ، به‌ویژه ارتباطات اقتصادی و تجاری‌مستقیم ،آفیش‌وآفیش‌سازی‌رواج گرفت . نقاشان پیرو مکتب‌امپرسیونیسم، که خود نقطهٔ عطفی درتاریخ هنر به حساب‌می‌آید ، گاهی در نقش‌آفیش ساز ظاهرشدند . این‌پدیدهٔ جدید درآغاز پیدایش‌خود ، با طراوت عاطفی ، سادگی بیان‌بار انسانی و

Scanned with CamScanner

منطق بی‌تکلف هنرمندی مانند: " تولوزلوترک " ، که با استدلال نظری و "نظریه پردازی درهنر " رسما مخالفت می‌ورزید ، آمیخته بود . ولی‌آفیش‌و بطورکلی هنرگرافیک‌نمی‌توانست همچنان درمرحلهٔ شهودی باقی بماند . گسترش دامنهٔ تولید کلان صنعتی ،ایجادقطب‌های مشخص "تولیدکننده" و "مصرف‌کننده" ، بپایان رسیدن قرن نوزدهم‌و آغازعصرتکنولوژی و پیدایش‌نهادهای اجتماعی‌خاص‌آن ، ریشه دوانیدن عمیق سرمایه‌داری در زیرساخت ها وروساخت‌های‌اجتماعی‌وتوجه‌به تبلیغات‌و دستگاه‌های تبلیغاتی ، موجب شد که‌هنرگرافیک نیز قوانین ویژه واصول‌جدیدی را بپذیرد ، تا اندازه‌ای‌تغییرماهیت دهد ومتقابلا به‌فنون و تکنولوژی متوسل‌شود ، ودراین‌میان ، تجهیز دستگاه‌های تبلیغات و بهره‌گیری از نیروی فکری‌روانشناسان ، اقتصادیون‌وجامعه شناسان ، در تعیین مسیر آفیش بی‌تاثیر نبوده‌است . به‌طور کلی آفیش ــ مانند نقاشی ــ با تحولات اجتماعی پیوند خورده‌است . بعلاوه چون دستگاه‌آفیش ، نقاشی‌است ، بین آفیش و آثار نقاشی‌نیز ارتباطی مستقیم هست . چندانکه می‌توانیم تاثیرات آشکار امپرسیونیسم ، کوبیسم ، سوررآلیسم ، هنرآبستره ، پـــوپ‌آرت، آپ‌آرت را درآفیش مشاهده‌کنیم . امااز آنجا که آفیش وسیله‌ای برای خبردادن ،شناساندن و یا انگیزاندن . . . است . به این جهت فقط عناصری را از نقاشی‌اخذ کرده که با ماهیت آن سازگار باشد ، تاثیر کوبنده‌ای که بیاری رنگهای تند وخالص و هماهنگی‌و تداخل‌رنگ و خط‌و فرم حاصل می‌آید ، عامل پرسپکتیو ، کشیدگی نامتعارف خطوط‌و فرم‌هائی‌که‌باقرینه‌ـ سازی یا نظمی ویژه ، توازنی نسبت به خود ایجاد می‌کنند ، پژوهش درشکل خط‌الفبایی و تزئین‌آن ، انگیزش‌تخیل بیننده به وسیلهٔ نگاره‌های "ساده‌شده"وکاریکاتوری ،ایجـــــاد فضاهای تخیلی ، استفاده از تکنیک‌های مختلف نقاشی و بطور کلی با تلفیق نگاره وعکس‌و کلام ،ذهن‌بینندهٔ تاثیر پذیر و نیمه‌تاثیر پذیر رابه‌خود جلب‌می‌کند . به‌علاوه آفیش‌سازبا تکیه‌برمسایل اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و بابرانگیختن احساس واحیاناتعقل بیننده ، سعی‌می‌کند "پیام " خود را به او برساند .

Scanned with CamScanner

امروزه در جوامع غربی نوع تجاری آفیش گسترش بیشتری دارد . و به جلب مصرف کننده و یا کسب طرفدار مومن تر برای یک کالای خاص وبه‌طور کلی تاثیر گذاری انفعالی دراو ، می پردازد ولی از آنجا که آفیش‌ساز علاوه بر وابستگی مستقیم اقتصادی واداری ، یک هنرمنداست و به خلاقیت وابتکار نظر دارد وبرای شالوده‌های فرهنگی وانسانی اهمیت بیشتری قایل است ، بررسی آفیش و آفیش ساز در رابطهٔ علمی آنها با جامعه مستلزم نگرش دیگری‌است : خط رنگ ،حروف ،فرم ، فضا ، تناسبات و بطور کلی آنچه که به عنوان "علامت " ارتباطی می‌شناسیم ، افزارکار آفیش ساز هستند . او هرچه بر این افزارکار تسلط بیشتری داشته باشد ، بهترخواهد توانست " موضوع " را بپروراند وبه کمک واسطه‌ای به‌نام آفیش‌به‌بیننده منتقل‌سازد . این اصل بدیهی و منطقی می‌توان در ارزیابی نقش حساس آفیش‌ساز ، معیاری کلی و درعین حال دقیق باشد . با در نظر گرفتن شالوده‌هائی‌که خلاقیت یک آفیش‌ساز را جهت میدهد ، این سئوالات‌می‌تواند مطرح گردد : تا چه اندازه درکار آفیش ساز فریب هست‌وتاچه اندازه راهنمائی ؟ آفیش‌با در نظر گرفتن انگیزه‌های روانی وماهیت اجتماعی آن ، تا چه اندازه‌به‌حوزهٔ فرهنگ‌نفوذ می‌کند و خود را درآن می‌گنجاند ؟ تاچه‌حدپویایی برمی‌انگیزد وتاچه حد به " ازخود بیگانگی "ی ناشی از کیفیت مصرف‌کنندگی دامن‌می‌زند؟

اینجاست که نظام اجتماعی وفرهنگی حاکم برآفیش‌ساز ، باتمامی قوانین وویژگی‌های خاص آن ، اهمیت اساس خود را می‌نمایاند . دراین حوزهٔ وسیع و جامع ، آفیش واسطه‌ای است بین تولید ومصرف . در نتیجه ، نه تنها ، آفیش‌ساز از سوئی ، با پرورش وشکوفاندن "موضوع " و ارضای خواسته‌ها و توقعات سفارش دهنده طرف است ، بلکه‌از سوئی دیگربا بیننده درگیری دارد . کدام بیننده ؟ آیا تمام بینندگان از تمام آفیش‌ها تاثیرات یکسان می‌پذیرند ؟

آن‌چنانکه درعلامت شناسی مطرح می‌شود ، بیننده "علایمی را بر می‌گزینند که برای او مفیدند " و باوضع و موقع او مرتبط هستند . بنابراین " چه در مرحلهٔ طرح‌ریزی‌وچه

Scanned with CamScanner

در مرحلهٔ بهره‌برداری ، علامت تابع قیود مختلف می‌شود . برای‌گریز از جنبه‌های منفی این قیود ،شناخت‌های تجربی و فنی " آفیش‌ساز هنرمند " کافی بنظر نمی‌رسد ،زیرا این فقط یک جنبهٔ کار اوست . جنبهٔ دیگر ، عمیق‌تر ، حساستر و ضروری‌ترمی‌نماید : آفیش‌ساز باید به شناخت جامعه شناسانه وآگاهی اجتماعی مجهز باشد تا علاوه برایجاد "ارتباط لحظه‌ای " با بیننده ، به نوعی تعمیم و به‌گونه‌ای پیش‌نگری‌خلاقه دست یابد .

پیروز افتخاری
اردیبهشت‌ماه۲۵۳۰شاهنشاهی

Scanned with CamScanner

نشریه

نمایشگاه کاریکاتورهای کامبیز درم بخش

کامبیز نام آشنائی‌است پای طرح‌های فراوانی که این‌روزها مطبوعات رافتح‌کرده‌است. این طراح هجا پرداز در شرایط ژورنالیسم معاصر ، سلیقه سردبیران عالی‌وخوانندگان هوشمندشان را رندانه دریافته‌است .و حسب الفرمایش " ذوق عمومی " به سوژه‌های‌روز ـ که همیشگی شده‌اند می‌پردازد حاصل این ساخته‌های فراوان قطار لبخندی است که برلبان مشتریان نشریات " فراغت و بطالت " می‌گذرد اما درم بخش قربانی اینان نیست که خود براین تلاشی عبث بخاطر " نام ونان " آگاهی دارد .

اوکفاره‌این‌آثارباب‌روزرا با طرح‌های ظریفی‌که کمتر چاپ می‌کند می‌دهد ،خواستاران این‌گونه آثار هنوز درشمارهٔ اندکند .

* * *

کامبیز در آثاری که نمایشگاه حاضر بخشی از آن‌است ، همواره ازخط مرزی عبورمی‌کند مرز بین ظرافت و خشونت ، خطی بین آنچه که بومی است وآنچه که می‌تواند جهانی‌باشد ، خط بین هجو مدارا . . .

او با بندبازی‌ازاین‌مرز خطرناک می‌گذرد و حاصل کار خوشایند است و آگاهی‌دهنده. دراین دنیای پر از تناقض، کامبیز تضاد راخوب‌می‌شناسد و سلطه خود را براین تضاد

Scanned with CamScanner

غم‌انگیز می‌گستراند او شاد خواری‌حاکمان و فلاکت محکومان ، درهم‌آمیختگی‌آزمندان‌وبی‌نیازان را به راحتی‌تصویر می‌کند . داستانهای‌غریبی‌می‌گوید که درورای قهقهه ،صدای‌هق هقی‌می‌آید .

" مرد " بی‌سیمای او دردمند است ، برشوره‌زار می‌گرید،گلی‌که‌می‌روید چشم‌اوست و دستش‌را به‌هم پرچ کرده‌اند.پرنده‌ای از سرش کرمی‌می‌جوید ، انگشتان دست دوستش‌ماری چندسر است . این آدم در سردنیائی آشفته دارد ، بی‌قانون‌وپرهمهمه‌مثل‌یک جنگل .

برخورد این " درخت‌آدمها " تماشائی است ، یکی‌از بهترین کارهای او گردش این جنگل‌هااست.شاخه‌های درهم شده بالای سرشان‌گرچه زیباست،اما آن‌را از حرکت‌بازداشته است،آیا با نسیمی می‌توانند از حالت میخکوب خود به‌درآیند ؟ آدم ــ درخت‌ها ،امابه این زودی از پای در نمی‌افتند،بهراره‌ای وتبری .

همیشه جوانه‌ای در کار سبزشدن است و دریغا که تبر خود درختی‌بوده‌است .

درم بخش روی سخن با جامعه بورژوا دارد وطبعا قهرمانان او نیز از زمرهٔ آنانست این‌آدم‌های‌به‌ظاهر معتبر اماکوکی ، این بادشدگان ، آنان که برای‌نجات‌خویش‌ازدستهای خواهنده ، پلی‌ساخته‌اند ،اینان‌که‌برای‌هیچ‌شعار می‌دهند ، کافی‌است که‌نقاب‌ازچهره‌شان فروافکنی‌وبه بینی‌که غرق شدگانند ، حتی درآسمان‌شان هم غریقی ترابه‌کمک می‌خوانند .

کامبیزاز " روزانه‌ای" دیگر به دنیای ما می‌نگرد،او بیدرد نیست،از کنار ما و شما ، سوت‌زنان نمی‌گذرد . دلهره‌های او را بنگرید واندوهش را به خاطر آنان‌که نمی‌دانند و نمی‌توانند .

شاید پرداخت درم بخش خشونت لازم را برای سوژه‌هایش نداشته باشد.اما او با ظرافتی تحسین‌انگیز از دنیای درنده‌ای سخن‌می‌گوید که همه‌درکمین همند وخلاصی راجز شهادت تدبیرنیست ،این‌روزهای‌مرده‌را باید به مردگان واگذاشت . یکبار برایش نوشته‌ام برای او آینده‌ای تابناک آرزو نمی‌کنم او اکنون آینده تابناک‌خود رازیرنگین‌دارد .

جواد مجابی

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه پوسترهای سینمائی ایران *

طراح وگرافیست باید کوشش کند که کارش را در تمام زمینه‌هائی که در برد هنرگرافیک است با اصالت و سلامت مطرح کند، واضح است که در مقابل او همیشه روش و سیستم تجارت و مسائل مادی وابسته به آن قرار دارد . دراین شکی نیست در جوامعی با فرمول‌های تجارتی معین اساس سیستم زندگی بر اصول حفظ و حراست ارزش‌های سرمایه استوار است ونمی‌توان بدون توجه به این اصل برخلاف مسیر آب شناکرد . زیرا حرکت در خلاف مسیر در عهده شخص معین یا رشته‌ای از کار معین نیست و یا اگر هست درآن حد که حکم داروی مسکن و مخدری برای عطشهای کنارگود می‌شود . در چنین حالی بیشتر باید به فکر آن بود که طراح نسبت به اصالت کار خود خدشه وارد نکند وآن‌را برای استفاده به این و آن قرض ندهد و تا حد امکان بکوشد سلیقه‌ها را همراه سازد که البته مقدار اشکالات این امر بستگی به زمینه های مساعد و نامساعد آن دارد .

مثلا در تآتر رسمی ماکه یا دولتی است و یا دانشجوئی زمینه‌های مساعد زیاد است. و لذا هم آهنگ‌کردن سلیقه‌ها امری دشوار و صعب نیست، چراکه تئاتر مسأله اساسی سرمایه به دلیل دولتی‌بودن در تئاتر دولتی و قابل بودن در تئاتر دانشجوئی ــ هیچگاه از نظر تهیه‌کننده و کارگردان تئاتر به خطر نمی‌افتد . زیرا مخارج محل و دستمزد هنرپیشگان (دو

Scanned with CamScanner

هزینه عمده) کاملا حل شده وجزو بودجه‌های تصویب شده سالانه وزارتخانه‌ها و سازمان ها است وهزینه وسائل و لباس حداقل و حداکثر بین ۳ تا ۱۲ هزارتومان است که به‌طرزتیب به وسیله تماشاچیان تامین می‌شود. پس با این حساب تهیدکننده‌ای وجود نداردکه نگران تلف‌شدن سرمایه باشدو کارگردان است که تصمیم‌ها رامی‌گیرد. واضح است درچنین‌شرایطی کارگردان می‌کوشد بیشتر و بهتر به نفس هنرتئاتر بپردازد و مسائل وابسته به‌آن از جمله پوستر یا بروشور نمایش دهنده حیثیت هنری‌کارش‌باشد.

امابرعکس، درسینما قضیه برمنوال دیگری‌می‌گذرد. هزینه از هرجهت صدها برابر مخارج تئاتر است، تهیه‌کننده باسرمایه شخصی و غیردولتی به میدان می‌آید. لذا کوشش می‌کند محصولی به بازار بفرستد که حداکثر مصرف‌کننده را داشته باشد،در نتیجه باید به مصرف‌کننده‌تخفیفهای کلی‌فکری و معنوی بدهد. زیرا می‌داند که اگر این چنین دست کم نگیرد، رقبای خارجی او که مصرف‌کننده را از سال‌ها قبل به آسان پسندی عادت‌داده‌اند، سرمایه او را به باد خواهند داد، ضوابطی برای جلوگیری از ویران‌سازی وجود ندارد.. لذا تهیه‌کنندهٔ ایرانی با توجه به الگوهای پرفروش خارجی کوشش‌می‌کندتمام امیال‌سطحی و ارضاء نشده تماشاچی را تسکین وتخدیر کند. پس برای چنین محصولی‌ویترین‌مناسبی لازم است.

در سینما تهیه‌کننده سفارش پوستر را می‌دهد و کارگردان باید مطیع او باشد،اما می‌تواند در قضاوت طرح پوستر با تهیه‌کننده و هنرپیشگان اول و فیلمبردار و دوستان و آشنایان و تمام اهالی استودیو فیلمسازی شرکت کند. مسلم‌است که این همه قاضی نه کار گرافیک رامی‌شناسند ونه اهمیتی به اصالت و سلامت و فرم و تکنیک کار می‌دهند،همه‌به این فکر هستند که چطور در باغ سبزی طراحی شودکه بلیط بیشتری به فروش رود.

دراینجا مبارزه طراح برای هماهنگ‌کردن سلیقه‌ها با یک کار سالم در نهایت‌سختی و اشکال وجود دارد و آن‌کس که موفق شود مرد میدان است که نیروئی‌می‌خواهد،افسانه‌ای

Scanned with CamScanner

همانند نیروی رستم در شاهنامه! زیرا اینجا طراح با یک سلیقه یا سفارش دهنده روبـرو نیست،او باید تمام نقطه نظرهای گوناگون که یک فیلم را به وجود آورده‌اند تحمـل و یـا مجاب کند . از طرفی او در نهایت پنج درصد خرج‌کل فیلم را به عـهده دارد و در نتیجه به‌همان قدر پنج درصد در اقلیت است و البته نباید منکر شد که‌توفیقهای‌کوچکی که‌اخیرا آغاز شده‌نه‌دلیل مبارزه ۵ درصد درمقابل ۹۵ درصداست بلکه دقیقا به دلیل یاری‌کـردن چند کارگردان جوان سینمای ماست که درصد نیروها را به نفع طراح‌بالا برده‌اند .

ولی‌از اینها که بگذریم آیا واقعا پوستریک فیلم بایدچگونه باشد ؟ بـایـد اتیکت‌و برچسب در خدمت سرمایه را به‌پذیرد ؟ باید حکم‌مشتی‌باشد که به دیوار سخت‌بکوبد ویا از داخل ویران سازد ؟به گمان من باید تمام این شعارها را به دور ریخت،این شعارهـا را معمولا آن دسته از منقدین‌و هنردوستانی می‌دهند که‌کنارگود ایستاده‌اند و بیشترنتیجـه کوشش‌ها را قضاوت می‌کنند تا کیفیت و کمیت آنها را . کسانی که چه بسا بعدها ، درجلد تهیه‌کننده و غیره رفتند به دشواری کار می‌افزایند ، که افزوده‌اند .

طراح پوستر فیلم بمانند فیلمبرداربایـد تمام کیفیت معنوی فیلم رامنتهـی فقـط‌در یک‌تصویر خلاصه‌و " سمبلیزه" کند . و تماشاچی راآنا به فضای فیلم آشنا سازد و محتوی‌را در خلاصه‌ای بفشرد و این کاریست نه چندان آسان ،زیرا که‌همین محتوی را کارگـــردان طی دوساعت مورد بحث و بررسی قرارداده است . واضح است که پیداکردن چنین تصویر سمبولیکی همه‌کس را راضی نمی‌کند.زیراهرکسی نیز توانائی خلاصه فکر کردن راندارد وچه بسا که محتوای‌یک‌فیلم در یک تصویر نگنجد و نقطه نظرهائی چندگانه داشته باشد ،همهٔ اینها برمشکلات اولیه ذکر شده می‌افزاید و موقعیت کار طراح را بیشتر مشخـص می‌کنـد . که البته این نکتهٔ اخیرمسأله ای‌است که در مقابل هرکارگرافیک مطرح است چه درهرزمینه دیگر .واین صحبت رامی‌شود درنمایشگاه‌هائی درزمینه‌های دیگرادامه داد بهرحال‌اهمیت، نمایشگاهی‌این چنین دراین‌است که مسائل مهمی را در جنب قضایا قرارمی‌گیرد،گوشـزد

Scanned with CamScanner

کند و مورد بحث و بررسی قرار دهد، تا درحد نمایش یک ذوق ساده قرار نگیرد.

مرتضی ممیز

آذر ۲۵۳۱ شاهنشاهی

---

*این نمایشگاه به کوشش مرتضی ممیز فراهم گردید.

Scanned with CamScanner

نشریه نمایشگاه پوسترهای لهستان *

درسال ۱۸۹۸ قدیمی‌ترین پوستر لهستانی توسط تئودوراکسنتو ویچ طراحی شد. این پوستر در بارهٔ یک نمایشگاه نقاشی بود و صورت زنی را نشان‌می‌داد و زیر تصویر فقط نوشته شده بود Sztvka یعنی هنر.

درسال ۱۹۷۴ پنجمین بی‌ینال پوستر ورشو افتتاح می‌شود. این‌بی‌ینال یکی از مهمترین نمایشگاههائی است که در باره هنرگرافیک در دنیا برگزار می‌شود.

از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۷۴ هنرگرافیک در لهستان آن‌چنان جائی پیداکرده است‌که می‌توان گفت به‌صورت هنری ملی درآمده‌است. برای هر لهستانی گرافیک‌آنچنان‌آشناست که باید طراحی قالی‌برای ما باشد و شاید لهستان جزو چند کشور معدودیست که کوچه‌هاو خیابان‌های شهرهای آن نمایشگاه‌های دائمی بهترین پوسترها هستند. مکتب گرافیک لهستان یکی از پر نفوذ ترین مکاتب‌هنرست،زیرا که درشعاع‌وسیع آن خیلی‌از کشورها و از جمله کشورهای اروپای شرقی قرار گرفته‌اند. یکی از بانیان مکتب گرافیک لهستان "هنریک تومازوسکی"است.وی هفتاد سال دارد،استادرشته گرافیک دانشکده‌هنرهای زیبای ورشو است وهشتاد درصد پوستر سازان و گرافیست های‌بنام امروز لهستان شاگردان او هستند.

Scanned with CamScanner

پوسترهای امروزی "توماژوسکی" هنوز هم راه‌گشا ومملو از جستجوهای تازه وبکرفرم ها وایده‌هاست.ولی دنیای گرافیک لهستان به "توماژوسکی" تنهامحدود نمی‌شود ، استادان دیگری چون ژوزف مروزساک و گوستاو مایفسکی ، تادئوز گرونفسکی هرکدام باشیوه‌های‌خاص خودنسل گذشته‌هنرمندان گرافیست لهستان راتشکیل داده‌اند . دومین‌نسل گرافیست‌لهستانی هنرمندانی‌چون ویکتورگورکا ، یانوس بروشنالسکی ، هوبرت هیلشر ، ویتولد یانوفسکی ، تادئوز یوولفسکی ، زبیگنیه فکایا ، یولیان پالکا ، کازیمیراسلاوینسکی ، ماژیچ اوریانیژ ، زبیگنیه‌ف وازفسکی به‌مکتب گرافیک لهستان شکل دادند .امااین‌نسل‌بعدی‌بودکه هنرگرافیک لهستان را به دنیا شناسانید . هنرمندانی چون یان‌لنیکا ، رومن سیزلویچ ، جری‌فلیساک، مارک فرود نریخ ، لسک هولدانویچ ، مارک موزنیسکی ، فرازیسک استاروفیسکی ، برونیسلا وزلک .

اکنون همه مجلات و نشریات اختصاصی‌گرافیک،کارهای لهستانی‌ها را به‌عنوان‌آخرین آثار گرافیک منتشرمی‌کنند وهمه گرافیست‌های دنیا به دقت کارهای لهستانی‌ها را دنبال و مطالعه می‌کنند .

بااینکه‌امروزیکی از قطب‌های درخشان گرافیک در دنیا امریکاست ،اما مکتب لهستان چون مکتب‌ژاپن ابدا موقعیت خود را از دست نداده‌اند وهنوز پوسترهای لهستان بیشتر فضای هنر گرافیک را القامی‌کنند . در ژاپن ، امریکا و چند کشور اروپای غربی به استثناء سوئیس و آلمان غربی هنر گرافیک باخیلی‌چیزهای دیگر زندگی آمیخته شده است . اما در لهستان چون آلمان ،سوئیس و چکسلواکی‌گرافیک کاملا خالص باقی‌مانده‌است .

به‌آسانی‌نمی‌توان قضاوت کرد که این مسئله به چه علتی بستگی دارد ، شاید مربوط به روحیه این ملل‌باشد و شاید به نوع شناخت و توقع ایشان از بیانی‌معین‌ومشخص درهنر .

مرتضی‌ممیز

---

* این نمایشگاه به کوشش مرتضی ممیز فراهم گردید .

Scanned with CamScanner

در پائیز سال ۲۵۲۹ شاهنشاهی نگارخانه ایران درجهت فعالیت‌های انتشاراتی خود اقدام به چاپخش یک جنگ هنری بنام "فصلی درهنر " نمود . طی یکسال چهاردفتر با عنوان بالا انتشار یافت که بخش عمده مطالب آنها به بررسی مسائل هنـرهای تجسمی و معمـاری اختصاص یافت .

در زیر پیش‌گفتار دفتر دوم و سوم و چهارم که مبین نحوه نگرش گردانندگان نگارخانه نسبت به روابط هنر و هنرمندواجتماع میباشد ، نقل می نمائیم .

Scanned with CamScanner

پیش‌گفتار دفتر دوم « فصلی در هنر»

در تحلیل واقع‌بینانهٔ هنرمعاصر ، پی‌می‌بریم که این هنر تاکنون بازتاب درستی‌از دگرگونیهای جامعهٔ ما بدست نداده است . جز در مواردی معدود ، که طبعا جامعیت‌ندارد ، باید پذیرفت که هنر ما به هیچ‌روی عامل پویایی در اجتماع نبوده ، غالباهمان زمزمه و یافریاد دیروز را تکرار کرده است .

با تمام دگرگونیهائی که طی سال‌های اخیر از نظر شکل درانواع‌مختلف هنری صورت پذیرفته ، وبا توجه‌به‌این‌اصل‌که‌دگرگونیهای شکلی ، خود ، نمودی از تغییرات کیفی‌جامعهٔ ماست ، ولی‌عموما برداشت ما از مفاهیم هنر ، کهنه یانو ،همچنان قالبی ، پیش ساخته و بی‌تحرک باقی‌مانده است وبا شرایط‌رشد جامعه سازگاری ندارد ، هنر معاصر درحد اعلای کاوش‌خود ، به تفحص در " ظواهر " پرداخته است ،بی‌آنکه بتواندبه عمق واقعیت‌راه یابد .

اگرخوب تعمق کنیم،می‌بینیم هنرمند ما واقعا نمی‌داند چه می‌سازد ، چطورمی‌سازد ، چرا می‌سازد ، برای که می‌سازد ؟ چنین هنرمندی ، لامحاله ،موجودترد و شکننده‌ای است که با تحسینی خود رامی‌بازد و با تکذیبی‌روی برمی‌تابد ، و درهر دوحال به‌زودی میدان‌را خالی‌می‌کند . هنرمند ما ،حتی‌چنانچه مدعی واقع‌گرائی باشد،چون پدیده‌های‌اجتماعی را به درستی نمی‌کاود ، چون شناخت ژرفی نسبت به محیط و فرهنگ مردم خویش ندارد ، و

Scanned with CamScanner

نیز چون روابط عناصر موجود در اثر هنری خود و بازتاب بیرونی آن‌را به خوبی نمی‌شناسد و غالبا گوئی در محضرخود " حرف "می‌زند . او واقعیت را در "ذهن" تجریه و تحلیل می‌کند و سنتزی یک بعدی به دست می‌دهد . پرواضح است که این چنین‌واقع‌گرایی ، فقط درخششی آنی و زودگذر و کیفیتی‌ایستا دارد .

پس اگراندیشه وعمل هنرمند از "فردیت "او پیراسته نشود ، اگر زندگی را بسیار گسترده‌ترازفضای ذهنی خود نیابد ، اگرخود رانپالاید ، اگر از نقطه‌ای بامختصات‌منطبق زمانی مکانی شروع نکند ، اوهمواره‌موجودی نااستوار و کنش‌هنری ــ اجتماعی اونیزدستخوش تزلزل خواهد بود .

شک نیست که هنر خاص‌یک‌ملت همیشه‌معیارهای خاص خود را دارد . چرا در دورهٔ معاصر ، در هیچیک از زمینه‌ها ، " هنرملی " به مفهوم‌واقعی و کامل آن بوجود نیامده‌است؟ چرا درقیاس‌باآثار هنری ملل زندهٔ عالم ، آثار اکثر هنرمندان ما بی‌ریشه و تقلیدی‌جلوه می‌کند ؟آیا بدان دلیل نیست که هنر ما ــ در کلیت‌خود ، نه در اجزاء ــ طفیلی هنرجهانی است ؟ ما بیش از پیش نیاز به خوب آموختن داریم ، و شاید تنها راه چاره دراین‌باشد که بدآموزی را به کناری نهیم‌وباردیگرمفاهیم رااز نو ، واین بار عمیقتر ، بررسی‌کنیم . ودر این‌بررسی ، نظریات وآثار را نه در شکل جامدشان ، بلکه در روند تکامل آنها بکشافیم ،و خوب یا بد را بامعیارهای خاص جامعهٔ خودتشخیص دهیم . باید بت‌ها را بشکنیم والگوها را به دور بریزیم تا بتوانیم نمونه‌هائی برای " خود " بسازیم که متضمن گسترش درحال و آینده باشد .

روئین پاکباز

زمستان ۲۵۲۹شاهنشاهی

Scanned with CamScanner

پیش گفتار دفتر سوم « فصلی در هنر »

می‌گوئیم هنر باید از زندگی نشأت بگیرد. این حکم در ستی است اما کامل نیست .چون حاوی یک مفهوم کلی است . باید بلادرنگ اضافه کرد که مقصود از زندگی ، مجموعهٔ روابط پیچیده‌ای است که زیست گروهی از انسان‌ها را در زمان و مکانی معین توجیه می‌کند . ولی کیفیت این روابط ، امری ازلی نیست . یعنی زندگی همیشه یک مفهوم واحد را ندارد به‌علاوه جریان زندگی درروندی منفعلانه سیر نمی‌کند ، چراکه مفهوم واقعی آن در نیروی تلاش، بسوی هدف‌های انسانی متبلور می‌شود . هنرو کار خلاقه نیز بازتابی از این تلاش، ووسیله‌ای برای نیل به آن هدف‌هاست .

لکن برمبنای این حکم که هنر اصیل از زندگی مردم مایه می‌گیرد ، یاآرمان‌های اجتماعی توصیف می‌کند ، نمی‌توان به این نتیجه رسید که هنر باید بر ذوق و پسند عموم استوار باشد زیرااولا:پسند عموم یکسان نیست ، ثانیا:این " معیار "قدرت لازم برای سازندگی را ندارد. ذوق عموم بواسطه‌ی یک سلسله عوامل بازدارنده‌ی اجتماعی ، بیشتر به گذشته (سنت‌ها) گرایش دارد تا به آینده (آرمانها)

با توجه به آنچه گذشت شاید بتوان تعریفی از "هنرملی" به دست داد . غالبا هنر ملی به‌عنوان هنری که سنت‌ها و آداب وکردار و ذوق واخلاق ملتی را بازگومی‌کند ،تلقی می‌شود

Scanned with CamScanner

این برداشت ، نادرست است . زیرا دراین تعبیر ، مفهوم زندهٔ هنر نقض می‌شود . هنری که از حوزه‌ی معیارهای حاکم فراتر نرود ، یعنی نتواند معیارهای تازه‌ای بیافریند ، نه تنها پوینده نیست ، بلکه همراه با سایر نمودهای کهنهٔ اجتماعی ، به زودی مدفون خواهدشد.

هنرملی نه مطلقا در فرهنگ گذشته جای‌می‌گیرد و نه صرفا در فرهنگ آینده ، بلکه بازتابی از تناقض این دوست . درهردوره از تاریخ یک ملت هنرمند اصیل دو وظیفهٔ اساسی را عهده‌دارمی‌شود . اولا: از آنچه که مربوط به گذشته است و امروز بقای کاذبی دارد و یا آنچه‌که در ابقاء خود می‌کوشد ،انتقادمی‌کند . ثانیا: به‌آنچه که نوین و درشرف تکوین است ، می‌پردازد وآن‌را شکوفان‌می‌سازد . و این‌دو وظیفه ازهم جدانیستند ومتقابلا بریکدیگرموثر واقع می‌شود.

بنابراین درتحلیل هنریک دوران ، تفکیک آن به دو بخش "کهنه " و "نو" وبررسی آنها در دو مقوله جداگانه ، امر بی‌فایده‌ای است ، زیرا دریک چنین‌تقسیم بندی ، ماهیت واقعی هنر ناشناخته می‌ماند .

در هرلحظهٔ تاریخی ،هنر واقعی ــ درست مانند زندگی ــ مفهومی از "مرگ" گذشته و "تولد "آینده را با خود دارد .

روئین پاکباز

بهار ۲۵۳۰ شاهنشاهی

Scanned with CamScanner

پیش گفتار دفتر چهارم « فصلی درهنر »

پیش از این ، در بارهٔ محتوی " زنده " هنر در جامعه سخنی کوتاه گفتیم ،وگفتیم که این هنر هنگامی می‌تواند ریشه‌دار و پابرجا وگسترده باشدکه با پدیده‌های نوین آن‌جامعه عجین شده واز تقلید الگوهای پیش ساخته ــ خواه کهنه یا نو ــ بپرهیزد . لکن منظوراین نیست که الزاما هنر ملی را در چهارچوب یک سلسله روابط و مسائل اقلیمی محصور کنیم و آنرا از پدیده‌های‌جهانی منتزع سازیم .

امروزه در جوامع مختلف ، برحسب شرایط خاص آنها ،هنر صور گوناگونی رابه‌خود گرفته‌است . بدین معنا که نه تنها از نظر قالب‌و محتوی ، بلکه از جهت عملکرد اجتماعی نیز تفاوتهای آشکاری را نشان‌می‌دهد . ولی درعین‌حال یک هدف مشترک درهمهٔ هنرها قابل تشخیص‌است : توصیف انسان وطبیعت و روابط‌آنها .وهنر در پرداختن به‌این مفاهیم کلی‌است که از مرزها عبور میکند وجنبهٔ جهانی به خود می‌گیرد .

امروزه بسیاری کشفیات وابداعات شگرف درقلمرو دانش‌و هنر ظهور می‌کنندکه‌نمیتوان و نباید آنها را نادیده انگاشت . امروزه فرهنگ‌ملل ، حتی مرزهای سیاسی و جغرافیائی را به روی‌هم می‌گشایند ، امروزه رویدادهای هنری دراندک زمانی گسترش جهانی پیدامی‌کند : آثارادبی به‌زبانهای مختلف ترجمه‌می‌شوند ، جشنواره‌های بین‌المللی محصول‌ذوق‌واندیشه‌ــ

Scanned with CamScanner

های متفاوت و حتی متضاد را یکجا در معرض قضاوت قرار می دهند ، بین کشورها و سفرای هنری مبادله می گردد ، و علاوه براین ، حتی گروهی از هنرمندان به علت شهرت بین المللی برای خویش نقش جهانی قایل می شوند . . .

همه اینها ، تاثیرات و انعکاسات متقابلی را به بار می آورد . و این امر ، درعین حال که ظاهرا نوعی همزیستی بشری را مطرح می سازد ، ولی این خطر را هم در پی دارد که اصول ساخته و پرداخته ای را به عنوان "الگو" در اختیار جوامعی قرار دهد که به دلایل بیشمار فرصت ساختن فرهنگ راستین خود را نداشته اند .

و اینجاست که نقش هنرمند در جوامع مذکور ، الزاما کیفیتی خاص پیدا می کند : او محتوای هنر خود را از واقعیت زندگی خویش می گیرد و در ساختن قالب مناسب برای این محتوی از تمام ابداعاتی که در چهارگوشهٔ دنیا به وجود آمده ، یاری می جوید ، و در چنین شرایط ملی و جهانی است که هنر می تواند مقام واقعی خود را احراز کند . بهتر بگوئیم : هنر یک ملت هنگامی می تواند برغنای فرهنگ بشری بیفزاید که از "ملیتی" برخوردار باشد .

روئین پاکباز

Scanned with CamScanner

بخش سوم

فهرست زمانی رویدادهای
« نگارخانه ایران »

Scanned with CamScanner

۲۵۲۳ شاهنشاهی

چهارم تیر

ـ افتتاح تالار ایران در طبقه زیرزمین ساختمان ۱۹۸ خیابان شاهرضا (روبروی دانشگاه تهران) با نمایشگاه گروهی مؤسسین تالار ایران:

روئین پاکباز، فرامرز پیل‌آرام، صادق تبریزی، محمد رضا جودت، قباد شیوا، مسعود عربشاهی، منصور قندریز، سیروس مالک، فرشید مثقالی، پرویز محلاتی، مرتضی ممیز، هادی هزاوه‌ای

شهریور

انتشار کتاب، گفتگوئی درباره معماری، نوشته یوجین راسکین: ترجمه محسن مهدوی

ـ نمایشگاه یادبود شادروان حسین مجابی: باآثاری از حسین مجابی و تک‌چهره‌ها و آثاری که به‌یاد هنرمند فقید توسط:

روئین پاکباز، محمد رضا جودت، احمد عالی، مرتضی ممیز، بهمن فرسی، فرشید مثقالی، منصور قندریز، فراموز پیل‌آرام، جواد مجابی، قباد شیوا، هادی هزاوه‌ای و... به نمایش گذارده شد.

Scanned with CamScanner

مهر

ـ نمایشگاه آثار گرافیک مرتضی ممیز

آذر

ـ نمایشگاه گروهی عکاسی ـ شرکت‌کنندگان :

محرم اروانه ـ نادره انور ـ مینا باشاد ـ هوشنگ بهارلو ـ محمود پاکزاد ـ منصورپاکزاد، ن ، پیامی ـ صادق چوبک ـ ناصر حقیقی ـ نعمت حقیقی ـ مهندس خازنی ـ خلج ـ هژیر داریوش ـ گریگور دانشور ـ امیررحیمی ـ امیررضوی‌پور ـ سیف‌الملوکی ـ احمد عالی ـ نیکو فریدنی ـ سودابه قاسملو ـ مسعود کریم ـ ناصر گبای ـ شاهرخ گلستان ـ مهندس‌منوچهر مقتدر ـ پرویزنبوی ـ هادی شفائیه

دی

ـ انتشار کتاب

" دید نو ومجرد یک هنرمند " اثر موهولی‌ناگی ، ترجمه مریم جزایری ـ اسماعیل نوری علاء

بهمن

ـ نمایشگاه آثار گرافیک دورهٔ قاجار ـ به اهتمام : مهدی رضا قلی‌زاده

ـ نمایشگاه آفیش

ـ آغاز همکاری رسمی احمد عالی‌باگردانندگان نگارخانه

اسفند

ـ آثار نقاشی بهمن محصص

Scanned with CamScanner

۲۵۲۴ شاهنشاهی

فروردین

ـ نمایشگاه طرح روی جلد صفحه

اردیبهشت

ـ نمایشگاه آثار نقاشی روئین پاکباز ، منصور قندریز

ـ نمایشگاه آثار عکاسی احمد عالی

خرداد

ـ نمایشگاه تصاویرکتاب حمله‌حیدری (گرافیک دوره قاجار)به‌اهتمام : مهدی رضاقلی زاده

تیر

ـ نمایشگاه عکس‌های‌هادی شفائیه تحت عنوان "ردپای اعصار "

Scanned with CamScanner

شهریور

ـ نقاشیهای بهمن دادخواه باهمکاری ماهنامه آرش

مهر

ـ انتشار کتاب‌های : " لوکورپوزیه " نوشته ا . ن . رجزف

و " ۹ مقاله معماری ونقاشی آبستره " ترجمه نسرین فقیه‌وم ـ جودت وکتاب سال تالارایران

به سردبیری م . جودت

آبان

ـ نمایشگاه گروهی از آثار نقاشی :

روئین پاکباز ـ محمد رضا جودت ـ قباد شیوا ـ منصور قندریز ـ فرشید مثقالی

انتشار کتاب‌های : "نقاشی فرانسه از ۱۹۴۵ به بعد "مارسل‌بریون ، پاکباز ، حبیب‌خوانساری

و " نقاشی ایتالیا از ۱۹۴۵ به بعد " جولیو آرگان ، نلوبوننته ترجمه مریم‌جزایری،

اسماعیل نوری علاء

دی

ـ آثار نقاشی حمید زرین افسر

ـ انتشار کتاب : "بسوی یک معماری ارگانیک" ـ برونوز وی ترجمه مریم جزایری ـ

اسماعیل نوری علاء

بهمن

ـ نمایشگاه روپرودوکسیون آثار "امپرسیونیست‌ها " همراه با انتشار جزوه امپرسیونیسم

نوشته سارا نیومیر ترجمهٔ اسماعیل نوری علاء

هفتم اسفند

ـ مرگ منصور قندریز در یک حادثه اتومبیل

Scanned with CamScanner

نمایشگاه آثار طراحی و حکاکی
منصور قندریز

تالار ایران : خیابان شاهرضا روبروی دانشگاه ۱۳ - ۳۰ اردیبهشت

EXPOSITION DES DESSINS, LITHOGRAPHIES

M.GHANDRIZ

GALERIE IRAN : 198 AVENUE CHAHREZA

3-20 MAI 66

پوستر نمایشگاه آثار حکاکی و طراحی منصور قندریز که پس از مرگ هنرمند برگزار شده

Scanned with CamScanner

۲۵۲۵ شاهنشاهی

فروردین ـ اردیبهشت

ـ نمایشگاه آثار روئین پاکباز

اردیبهشت

ـ نمایشگاه آثار حکاکی و طراحی منصور قند ریز

خرداد

ـ نمایشگاه آثار منوچهر شیبانی

مهر

ـ نمایشگاه روپرودوکسپون آثار سزان ـ وان گوگ ـ گوگن ـ لوترک ـ همراه باانتشار جزوه: "سزان ، وان گوگ ، گوگن ، لوترک" ترجمه و تالیف اسماعیل نوری علاء

ـ آغاز همکاری فرشید ملکی بانگارخانه

ـ انتشارکتاب: "معماری ،شماومن "نوشته زیگفرید گیدیون ـ ترجمه اکبر میر مطهر

Scanned with CamScanner

آبان

ـ نمایشگاه آفیش های اروپائی

آذر

ـ نمایشگاه آثار طراحی و نقاشی : میر حسین موسوی‌خامنه‌ای

دی

ـ نمایشگاه آثارپاستل ، حکاکی و نقاشی منصور قندریز همراه با انتشار جزوه‌ای در باره منصور قندریز

متن گفتگوی روئین پاکباز ، فرشید ملکی ، اصلانی ، جودت ، انواری، موسوی‌وخامنه‌ای درباره منصور قندریز

ـ آغاز همکاری‌میرحسین موسوی خامنه‌ای بانگارخانه

ـ نمایشگاه آثار نقاشی‌م ـ جودت همراه با انتشار جزوهٔ درباره آثار جودت :

متن گفتگوی پاکباز ، ملکی ،جودت ، موسوی ، آرشامیان ، خوانساری دربارهٔ‌آثارجودت

دی ـ بهمن

ـ نمایشگاه آثار روئین پاکباز همراه با انتشار جزوه‌ای درباره آثار پاکباز :

متن‌گفتگوی‌پروانه‌اعتمادی، محمدرضا جودت ، روئین پاکباز ، فرشید ملکی ، میر حسین موسوی در بارهٔ‌آثار پاکباز

ـ آغاز همکاری پروانه اعتمادی‌با نگارخانه

Scanned with CamScanner

بهمن

ـ نمایشگاه رویرودوکسیون آثار نقاشان "فوویسم" همراه باانتشار جزوه‌ای دربـــاره "فوویسم" ترجمه و تالیف اسماعیل نوری‌علاء

اسفند

ـ نمایشگاه آثارنقاشی حسن‌حاتمی‌آذر

Scanned with CamScanner

نمایشگاه آثار نقاشی

جـــودت

از ۱۰ دی ماه ۴۵ در تالار قندریز :
خیابان شـاهرضا روبروی دانشگاه

Scanned with CamScanner

۲۵۲۶ شاهنشاهی

فروردین ـ اردیبهشت

ـ نمایشگاه آثار گرافیستهای ایران تحت عنوان " گرافیک امروز ایران "

اردیبهشت

ـ نمایشگاه کاریکاتورهای اردشیر محصص با مقدمه‌ای از احمد شاملو

اردیبهشت ـ خرداد

ـ نمایشگاه آثارنقاشان جوان :

بهرام روحانی ، علی‌ناظریان ، نیکزاد نجومی ، ناصردرخشانی ، گارنیک درهاکوپیان

شروع همکاری بهرام روحانی ، ناصر درخشانی ،گارنیک درهاکوپیان‌بانگارخانه

خرداد

ـ نمایشگاه آثار نقاشی : روئین پاکباز ، محمد رضا جودت ، پروانه اعتمادی

Scanned with CamScanner

آذر

ـ نمایشگاه آفیش

دی

ـ نمایشگاه روپرودوکسیون نقاشی قدیم ایران (مینیاتور)

اسفند

ـ نمایشگاه آثار نقاشی ناصر درخشانی ، گارنیک درهاکوپیان ، بهرام روحانی

Scanned with CamScanner

پوستر نمایشگاه گروهی از آثار گردانندگان نگارخانه

سازمان کاوید

از ۱۴ خرداد ۴۸ در تالار قندریز: خیابان شاهرضا، روبروی دانشگاه

Scanned with CamScanner

۲۵۲۷ شاهنشاهی

اردیبهشت

ـ آثار نقاشی (طبیعت بی‌جان) پروانه اعتمادی

خرداد

ـ نمایشگاه آثارنقاشی روئین پاکباز، محمد رضاجودت

مهر

ـ نمایشگاه آثار نقاشی و طراحی فرشید ملکی

ـ انتشار شماره ۱ " بررسی "های ماهانه به سردبیری روئین پاکباز

آبان

ـ نمایشگاه آفیش‌های خارجی

ـ انتشار شماره ۲ " بررسی "

Scanned with CamScanner

آذر

ـ نمایشگاه آثار حسین موسوی خامنه‌ای

ـ نمایشگاه آثار نقاشی سعید شهلاپور

ـ آغاز همکاری سعید شهلاپور با نگارخانه

ـ انتشار شماره ۳ " بررسی "

دی

ـ نمایشگاه آثار گرافیست‌های ایرانی

ـ انتشار شماره ۴ "بررسی"

بهمن

ـ نمایشگاه آثار روئین پاکباز

ـ انتشار شماره ۵ " بررسی "

ـ نمایشگاه آثار محمد رضا جودت

اسفند

ـ نمایشگاه آثار رضا رحیم‌زاده ، علیرضا منوری

ـ نمایشگاه آثار ابراهیم مقبلی

Scanned with CamScanner

نمایشگاه نقاشی و مجسمه های

روئین پاکباز

در تالار قندریز از ۲۲ آذر ۴۹ - ۴/۵ تا ۸ بعدازظهر

خیابان شاهرضا - خیابان دانشگاه - شماره ی ۲۰

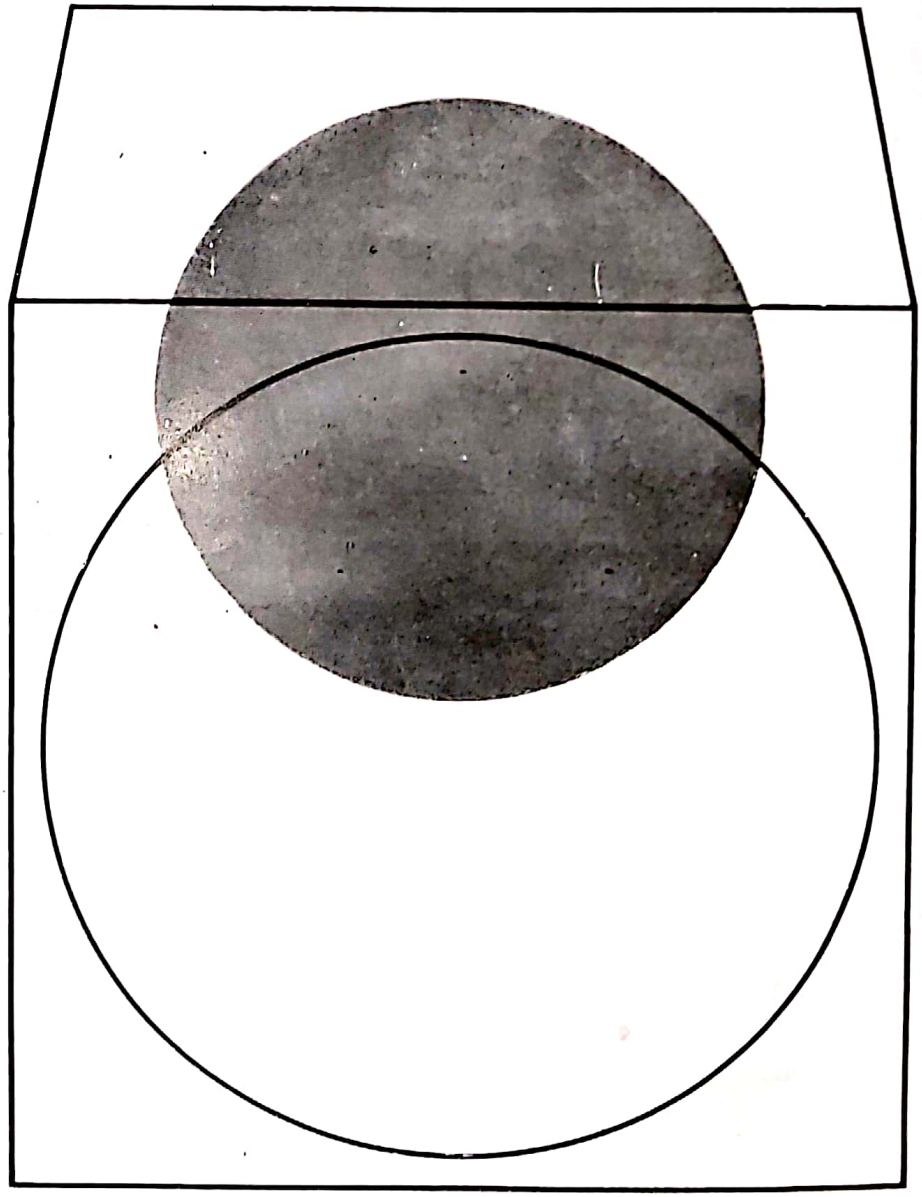

پوستر نمایشگاه از نقاشی‌ها و مجسمه‌های آبستره روئین پاکباز

Scanned with CamScanner

۲۵۲۸ شاهنشاهی

فروردین

ـ انتشار شماره ۶ـ ۷ " بررسی "

اردیبهشت

ـ تشکیل گروه هنری تالار

ـ نمایشگاه آثار گروه نقاشان تالار :

پروانه اعتمادی ، روئین پاکباز ، محمد رضا جودت ، ناصر درخشانی ، گارنیک درهاکوپیان ، سعید شهلاپور ، بهرام روحانی ، فرشید ملکی ، حسن واحدی

ـ انتشار شماره ۸ "بررسی"

ـ نمایشگاه آثار نقاشی شجاع الدین شهابی

خرداد

ـ نمایشگاه آثار جدید گروه نقاشان تالار :

پروانه اعتمادی ، روئین پاکباز ، محمد رضا جودت ، گارنیک درهاکوپیان ، سعید شهلا

Scanned with CamScanner

۲۲۲۸

پور، بهرام روحانی

آبان

ـ نمایشگاه آثار نقاشی :

روئین پاکباز ، محمد رضا جودت ، گارنیک درهاکوپیان ، بهرام‌روحانی ، سعیدشهلاپور

ـ انتشار شماره ۹ ـ ۱۰ "بررسی"

آذر

ـ نمایشگاه روپرودوکسیون تحت عنوان " سیرتاریخی‌هنرنو "

به مناسبت انتشار کتاب : " از امپرسیونیسم تا هنر آبستره"

نوشتهٔ ـ ژان لی‌ماری ، نوربرت لینتون . ادوارد ب ـ هنینگ و . . .

ترجمه : روئین پاکباز ، اسماعیل نوری‌علاء ، مهدی پرتوی و . . .

دی

ـ نمایشگاه آثار نقاشی وطراحی منوچهر صفرزاده

ـ انتشار شمارهٔ ۱۱ ـ ۱۲ " بررسی "

بهمن

ـ نمایشگاه‌آثارنقاشی محمد رضا جودت ، گارنیک درهاکوپیان ، بهرام روحانی ، سعید شهلاپور

ـ آثار نقاشی قاسم حاجی‌زاده

Scanned with CamScanner

پوستر نمایشگاه نقاشی‌های بهمن محصص

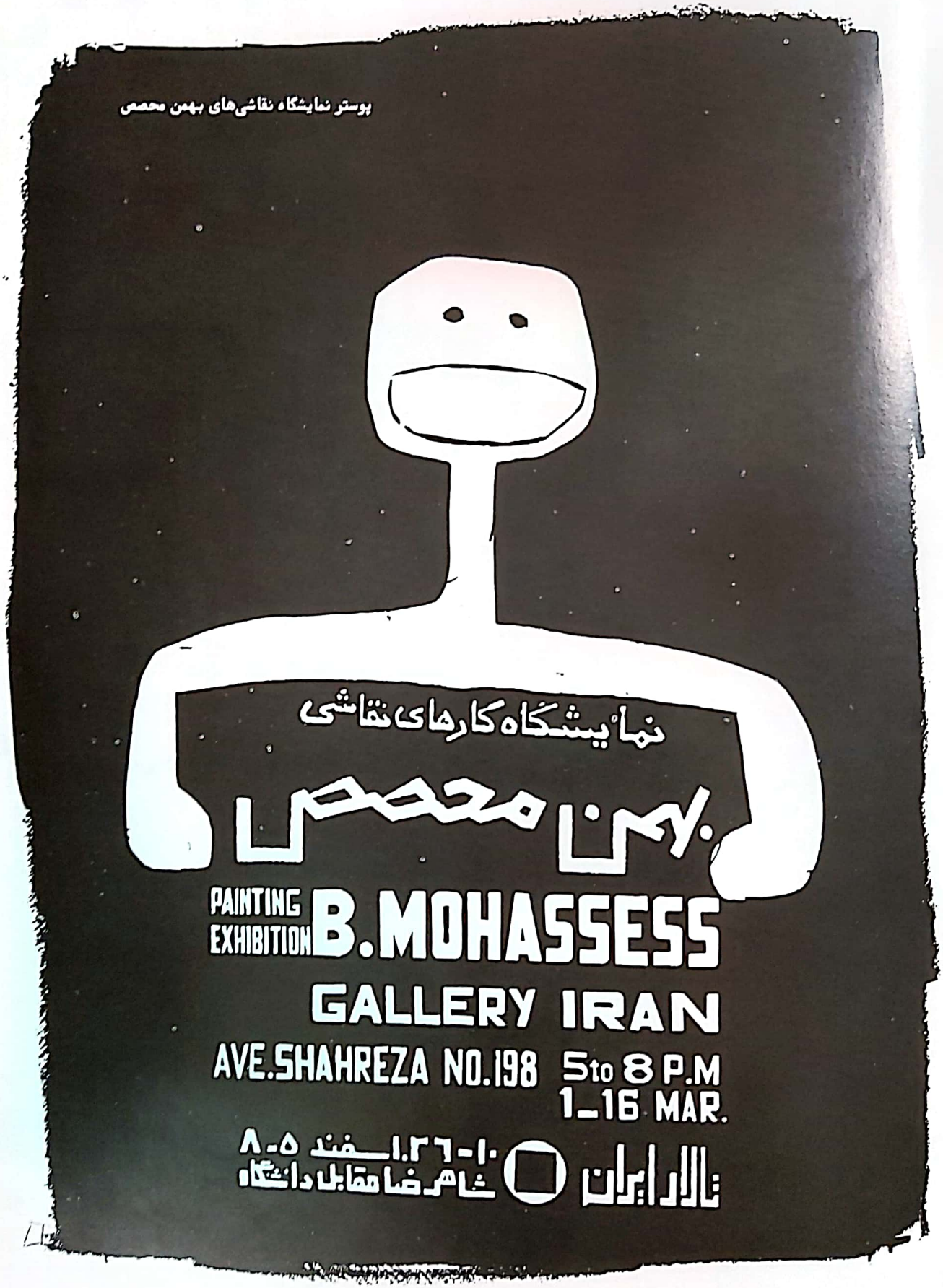

۲۵۲۹ شاهنشاهی

فروردین

نمایشگاه نقاشی و مجسمه‌سازی گروه تالار : آثار روئین پاکباز ، محمد رضا جودت

شهریور

نمایشگاه روپرودوکسیون آثار :

رنوار ، دگا ، لوترک ، وان‌گوگ ، گوگن ، روسو ، و لامینگ ، دوفی ، مودیلیانی ، بوفه

براک ، پیکاسو ، سولاژ ، دوستائل

تیر

ـ تغییر مکان نگارخانه از مقابل دانشگاه به محل فعلی :

خیابان شاهرضا ـ خیابان دانشگاه (بیست‌متری دوم) شماره ۲۰

مهر

ـ نمایشگاه آثار گرافیک مرتضی ممیز

Scanned with CamScanner

آذر

ـ نمایشگاه ماسک‌ها و مجسمه‌های آفریقائی

ـ نمایشگاه نقاشیها و مجسمه‌های روئین پاکباز

ـ انتشار دفتر اول " فصلی درهنر" به سردبیری روئین پاکباز

دی

ـ نمایشگاه آثار نقاشی عباس‌بیانی

بهمن

ـ نمایشگاه آثار نقاشی جمال بخش پور

ـ نمایشگاه آثار نقاشی منوچهر صفرزاده

اسفند

ـ نمایشگاه آثار هنر جویان مدرسهٔ هنرهای زیبای مونیخ

ـ انتشار دفتر دوم "فصلی‌درهنر"

Scanned with CamScanner

پوستر نمایشگاه نمونه‌ای از گرافیک دورهٔ قاجاریه (تصاویر کتاب مذهبی حملهٔ حیدری که تا ابعاد بزرگتر ارائه شده بود)

گرافیک دوره قاجاریه

تصاویر کتاب حملهٔ حیدری

تالار ایران ○ شاهرضا مقابل دانشگاه ـ ۱۹۸

۲۰ ـ ۸ خرداد ۵ ـ ۸ بعداز ظهر

EXPOSITION DES OEUVRES GRAPHIQUES KADJAR
GALERIE IRAN. CHAHREZA

Scanned with CamScanner

۲۵۳۰ شاهنشاهی

فروردین

ـ نمایشگاه آثار قاسم حاجی‌زاده

اردیبهشت

ـ نمایشگاه آفیش‌های خارجی

خرداد

ـ انتشار دفترسوم "فصلی درهنر"

مهر

ـ انتشار دفتر چهارم " فصلی در هنر"

آذر

ـ نمایشگاه نقاشی‌های مینا وثوقی

Scanned with CamScanner

دی

ـ نمایشگاه آثار طراحی وحکاکی‌های پرویز وقارفرحناک

ـ نمایشگاه آثار عکاسی بهمن جلالی

بهمن

ـ نمایشگاه آثار نقاشی حسین موسوی خامنه‌ای

ـ نمایشگاه آثار نقاشی جلال شباهنگی

اسفند

ـ نمایشگاه آثار نقاشی زهره کاظمی

Scanned with CamScanner

۲۵۳۱ شاهنشاهی

فروردین

ـ نمایشگاه چاپ های چوبی تبت

اردیبهشت

ـ نمایشگاه آثار نقاشی ژاله پورهنگ

ـ نمایشگاه بروشورها و آفیش‌های تئاترهای ایران باهمکاری سازمان نمایشی وپژوهشی آریان

خرداد

ـ نمایشگاه سری گرافی‌های نقاشان "مکتب پاریس"

ـ نمایشگاه کاریکاتورهای شریفی ، مشیری

مهر

ـ انتشار کتاب بررسی هنری واجتماعی نهضت امپرسیونیسم تالیف روئین پاکباز

Scanned with CamScanner

ـ چاپ دوم کتاب از امپرسیونیسم تا هنر آبستره

ـ نظری به آثار و افکار وازارلی

نمایشگاه روپرود وکسیون آثار وازارلی

کتابخانه امام خمینی (ره)
شماره ثبت ۰۰۰۹۵۰
تاریخ ۰۶/۰۴/۰۲

آبان

ـ نمایشگاه طراحی ونقاشی شهاب موسوی‌زاده

ـ نمایشگاه عکس‌های ابراهیم هاشمی

آذر

ـ نمایشگاه کاریکاتورهای کامبیز درم‌بخش

ـ نمایشگاه پوسترهای سینمائی ایران

دی

ـ نمایشگاه کاریکاتورهای مصطفی رمضانی

بهمن

ـ نمایشگاه پوسترهای ایرانی و خارجی

ـ نمایشگاه آثار نقاشی رامونا داربین

Scanned with CamScanner

نمایشگاه نقاشی

منوچهر صفرزاده

در تالار قندریز از ۲۰ بهمن ۴۹

خیابان شاهرضا ـ خیابان دانشگاه ـ شماره‌ی ۲۰

M. SAFARZADEH

9 FEV. 71

GHANDRIZ GALLERY:
NO. 20, DANESHGAH AVE., SHAHREZA AVE.

پوستر نمایشگاه نقاشیهای اکسپرسیونیستی منوچهر صفرزاده

Scanned with CamScanner

۲۵۳۲ شاهنشاهی

فروردین ـ اردیبهشت

ـ نمایشگاه عکس‌های مریم زندی

اردیبهشت

ـ نمایشگاه آثار طراحی رحیم نازفر

ـ نمایشگاه نقاشیهای فرشید ملکی

خرداد

ـ نمایشگاه آثار نقاشی علی‌اکبر ابراهیمی‌نژاد

ـ نمایشگاه طراحی‌های رضا درخشانی

ـ نمایشگاه طرح‌های منوچهر صفرزاده

آبان

ـ نمایشگاه آثار طراحی و نقاشی ثمیلا امیرابراهیمی

Scanned with CamScanner

ـ نمایشگاه آثار نقاشی ، پیکرسازی ، طراحی

به مناسبت جشن فرهنگ‌وهنر در تبریز درمحل هنرستان هنرهای زیبا

ازآثار :منصورقندریز ، سعید شهلاپور ، منوچهرصفرزاده ، فرشید ملکی ، قاسم حاجی‌ـ

زاده ،اسماعیل‌زرگام ، عربعلی‌شروه ، ایوب امدادیان ، نصرت‌الله‌مسلمیان

آذر

ـ نمایشگاه پوسترهای لهستان (در دونمایشگاه پیوسته) به اهتمام مرتضی‌ممیز

ـ نمایشگاه عکس‌های احمد علیزاده نوحی

دی

ـ کاریکاتورهای مصطفی‌رمضانی

بهمن

ـ اولین‌نمایشگاه گروهی نقاشی باهمکاری کمیته ملی‌هنرهای تجسمی‌وابسته به‌یونسکو

ـ آثار طراحی منصور فرهپور

Scanned with CamScanner

نمایشگاهی ازعکسهای بهمن جلالی

از ۱۸ دی ۵۰ در تالار قندریز
خیابان شاهرضا ـ خیابان دانشگاه شماره ۲۰

PHOTO EXHIBITION
B. DJALALI

8 JAN. 72 GHANDRIZ GALLERY:
NO. 20, DANESHGAH AVE.
SHAHREZA AVE.

پوستر نمایشگاه عکس‌های بهمن جلالی

Scanned with CamScanner

۲۵۳۳ شاهنشاهی

اردیبهشت

ـ آثار طراحی و نقاشی محمد فاسونکی

ـ آثار نقاشی شهاب موسوی‌زاده

آبان

ـ صدمین نمایشگاه تالار ایران (به‌مناسبت جشن‌فرهنگ‌وهنر)

باهمکاری ادارهٔ کل آفرینش‌هنری‌وادبی وزارت فرهنگ‌وهنر در نگارخانه تخت‌جمشید که‌توسط جناب آقای مهرداد پهلبد وجناب آقای جمشید آموزگار افتتاح گردید .

دراین نمایشگاه هنرمندان ذیل .در زمینه‌های نقاشی ، مجسمه‌سازی ، پوستر ، طراحی، کاریکاتور ، مینیاتور وعکاسی شرکت‌کرده بودند :

شادروان منصور قندریز ، معصومه‌سیحون ، سهراب سپهری ، غلامحسین نامی ،مسعود عربشاهی ، سیراک ملکونیان ، ایران درودی ، سودابه گنجه‌ای ، تامیلا شاهین‌فر ، رامیز شهوق ، کامبیز قدسی ، قاسم حاجی‌زاده ، طلیعه‌کامران ، پرویز کلانتری ، محمد احصائی ، محمد ابراهیم جعفری ، علی‌اصغر معصومی ، مارکو گریگوریان ، فرامرز پیل‌آرام ،پروانه

Scanned with CamScanner

اعتمادی ، جواد حمیدی ، عبدالکریم روحانی ، شهلا اربابی ، علی آذرگین، گارنیک درهاکوپیان، حبیب آیت اللهی ، منصوره حسینی ، علیرضا اسپهبد ، رحیم ناژفر ، محمد علی ترقی‌جاه ، فرشید ملکی ، رامونا داربین ، نصراله افجه‌ای ، منوچهر صفرزاده ، سیروس مالک، محمدرضا جودت ، عربعلی شروه ، میر عبدالرضا دریابیگی ، علی اصغرمحتاج ، ویولت متحده، ابراهیم مقبلی ، فرشته غازی‌راد ، خلیل‌توللی ، ژاله پورهنگ ، سرکیس زاکاریانس (واسپور)، مهدی انوشفر ، کورش شیشه‌گران ، ناصر درخشانی ، روئین پاکباز ، علی‌اکبر صفائیان ، مینا وثوقی ، حسین رسائل ، مهدی حسینی ، علیرضا منوری ، جمال بخش‌پور ، رحیم روحانی ، علی‌اکبر ابراهیمی‌نژاد ، اردشیر تاکستانی ، عباس جلالی ، سوسن آبادی ، رضا فضایلی ، کاظم رضوانیان ، اصغر محمدی ، مهین نورماه ، منصوری برکشلو ، پاینده شاهنده ، عباس حجت‌پناه ، کامبیز درم بخش ، مصطفی رمضانی ، قباد شیوا ، فوزی تهرانی ، مرتضی ممیز ، علی خسروی ، هادی شفائیه ، ابراهیم هاشمی ، احمد عالی ، مریم زندی ، بهمن جلالی ، احمد علیزاده نوحی ، رضا بانگیز.

ـ آغاز همکاری نگارخانه ایران با نگارخانه سیحون

آذر ـ بهمن

ـ شرکت تالار ایران درنخستین نمایشگاه هنری بین‌المللی تهران با تفاق گالری سیحون هنرمندان شرکت‌کننده در بخش مربوط به دوگالری عبارت بودند از:

علی آذرگین ، شهلا اربابی ، علیرضا اسپهبد ، پروانه اعتمادی ، نصراله افجه‌ای ، داوداامدادیان ، جمال بخش پور، تاها بهبهانی ، روئین پاکباز ، محمد رضا جودت، قاسم حاجی‌زاده ، عباس حجت پناه ، واحد خاکدان ، گارنیک درهاکوپیان، کاظم رضوانیان، بهرام رمضانی ، کریم روحانی ، معصومه سیحون ، سودابه شرفشاهی ، بهجت صدر ، علی‌اکبر صفائیان ، بهرام عالیوندی ، منصور قندریز ، پرویز کلانتری ، رضا مافی ، ویولت متحده،

Scanned with CamScanner

پوستر نمایشگاهی از آثار چاپی ویکتور وازارلی و برخی از نوشته‌های او

VASARELY

HIS THOUGHT & WORKS

GHANDRIZ GALLERY: NO.20, DANESHGAH AVE.
SHAHREZA AVE.

OCT. 18, 1972

نظری به افکار و آثار وازارلی

تالار قندریز: شاهرضا ـ خیابان دانشگاه ـ شماره ۲۰-۲۶ مهر ۵۱

Scanned with CamScanner

حسین محجوبی ، علی‌اصغر معصومی ، رحیم ناژفر ،مهین نورماه .

دی

ـ کاریکاتورهای مصطفی رمضانی

ـ آثار عکاسی مریم زندی

ـ نمایشگاه گروهی عکاسی آثار :

عباس یوسف‌پور ـ نادر مهربان ـ مسعود بی‌نیاز ـ روبرت صافاریان ـ کلانتری

بهمن

ـ نمایشگاه آثار نقاشی نگارگر منصور حسینی

Scanned with CamScanner

۲۵۳۴ شاهنشاهی

اردیبهشت

ـ نمایشگاه گروهی نقاشی

علیرضا اسپهبد ، پروانه اعتمادی ، روئین پاکباز ، مهدی حسینی ، واحد خاکدان ،

علی‌اکبر صفائیان ، بهرام عالیوندی ، گارنیک درهاکوپیان

ـ نمایشگاه عکس‌های بهروز قاسمی

خرداد

ـ نمایشگاه آثار نقاشی محمود صنعتی

مهر

ـ بکاربردن عنوان "نگارخانه" بجای "تالار"

ـ نمایشگاه گروهی نقاشی ومجسمه‌سازی

آثار پروانه اعتمادی ، جمال بخش‌پور ، سعید شهلاپور

رسمیت یافتن نگارخانه ایران (قندریز) از طرف شورای عالی فرهنگ‌وهنر

Scanned with CamScanner

آبان

ـ نمایشگاه نقاشی عباسعلی سارنج

ـ نمایشگاه سیمائی از هنر معاصر به اهتمام نگارخانه سیحون وهمکاری نگارخانه ایران در محل نمایشگاههای وزارت کار و امور اجتماعی (جاده پهلوی جنب هتل هیلتون)

هنرمندان ذیل در نمایشگاه شرکت نموده بودند:

علیرضا اسپهبد، پروانه اعتمادی، نصرالله افجه‌ای، ایوب امدادیان، داود امدادیان، یعقوب امدادیان، جمال بخش‌پور، روئین پاکباز، محمد رضا جودت، شاهرخ حب حبیبی، عباس حجت پناه، واحد خاکدان، کاظم رضوانیان، کریم روحانی، گارنیک درهاکوپیان، سهراب سپهری، معصومه سیحون، علی‌اکبر صفائیان، بهرام عالیوندی، پرویز کلانتری، رضا مافی، حسین محجوبی، علی‌اصغر معصومی، رحیم ناژفر، سرکیس زاکاریانس (واسپور)

ـ انتشار کاتالوگی از آثار و بیوگرافی هنرمندان نامبرده

ـ نمایشگاه آثار سرامیک محمد مهدی انوشفر

آذر

ـ نمایشگاه آثار عکاسی هادی هراجی

دی

ـ نمایشگاه نقاشی‌های واحد خاکدان

ـ نمایشگاه آثار نقاشی، حکاکی وطراحی هانیبال الخاص

بهمن

ـ نمایشگاه آثار عکاسی همایون پایور

Scanned with CamScanner

اسفند

ـ نمایشگاه آثار نقاشی منوچهر صفرزاده

ـ نمایشگاه آثار سرامیک الینامیو، عزیز فیضیان، عربعلی شروه، مهدی انوشفـــــر

Scanned with CamScanner

Scanned with CamScanner

۲۵۳۵ شاهنشاهی

فروردین ـ اردیبهشت

ـ نمایشگاه آثار تکثیری کورش شیشه‌گران

ـ چاپ دوم کتاب " معماری شما و من ـ زیگفرید گیدیون" ترجمه اکبرمیرمطهر

با سرمایه انتشارات رز

اردیبهشت

ـ نمایشگاه عکاسی ـ از آثار سیزده تن از دانشجویان رشته معماری دانشگاه‌ملی به اهتمام مهندس شیرزاد

ـ چاپ دوم کتاب " بررسی‌هنری واجتماعی امپرسیونیسم " تالیف‌روئین پاکباز

خرداد

ـ نمایشگاه کاریکاتورهای مصطفی‌رمضانی

Scanned with CamScanner